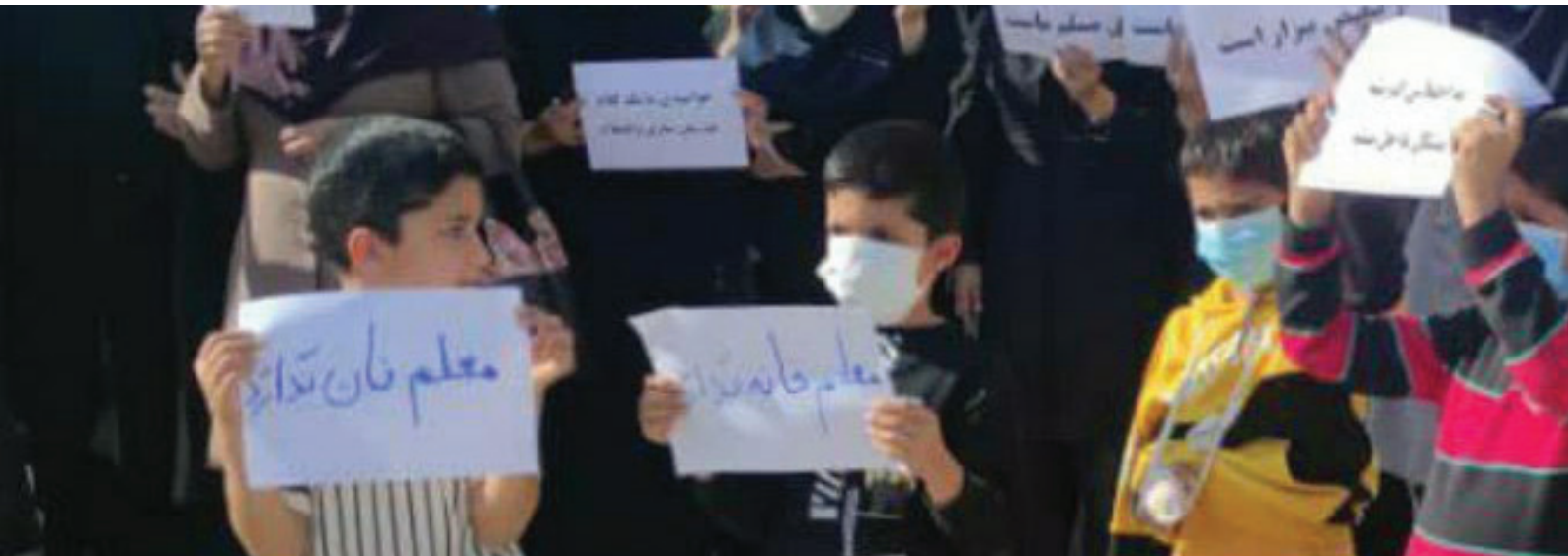




فهرست مطالب

- نگاهی به اعتراضات درخشان معلمان و دورنمای این مبارزه و نقشه راه ۲
- قطعه‌نامه پایانی تجمع سراسری معلمان ایران..... ۶
- تجمعات باشکوه صنفی معلمان و پاسخی به حملات رذیلانه اوباشان کیهان!..... ۸
- چه کسی با مطالبات معلمان مخالفت می‌کند؟..... ۹
- معرفی یک اثر ارزشمند..... ۱۰
- در همبستگی با اعتصاب معلمان و محکومیت بازداشت فعالان برجسته صنفی..... ۱۱
- دانشجویی که ابراهیم رئیسی را داغ کرد!..... ۱۳
- تصویر دلخراش و مضروب «گوهر عشقی» ۱۴
- در جبهه نبرد طبقاتی ۱۵
- برگی از تاریخ به مناسب روز دانشجو..... ۲۳
- سخنی درمورد تقاضای پناهندگی هندبالیست ملی پوش ایرانی، شقایق با پیری ۲۴
- دروازه‌بان تیم ملی هندبال ایران، فاطمه خلیلی، موجب تحسین فدراسیون جهانی شد. ۲۵
- چند یادداشت کوتاه سیاسی ۲۶
- یاد رفیق قدرت فاضلی گرامی باد..... ۳۰
- حکم دادگاه انگلیس را محکوم کنیم و صدای «جولیان آسانز» باشیم!..... ۳۰
- امپریالیسم آمریکا بزرگترین دشمن صلح جهانی ۳۱
- چرا صهیونیست‌های اسرائیلی مدام ایران را تهدید نظامی می‌کنند؟..... ۳۲
- ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده ۳۳
- گشت و گذاری در فیسبوک ، پاسخ به چند پرسش ۳۴
- پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام..... ۳۵



نگاهی به اعتراضات درخشان معلمان و دورنمای این مبارزه و نقشه راه

کردن اراده مطالبه‌گران و متحد و مصمم‌تر کردن آنان برای پیگیری مطالبه تا حصول نتیجه، فشار مستقیم بر تصمیم‌سازان وارد ساخته و آنها را به دست و پا انداخته است. حاکمیت سرمایه‌داری اسلامی در چند سال اخیر شاهد چنین تجمعات سراسری و اعتصابی، که تحت رهبری کانون صنفی معلمان، که همان نقش اتحادیه یا سندیکای مشخصی را ایفا می‌کند، نبوده است. معلمان گام به گام و صبورانه به دور سازمان صنفی خود حلقه زدند و برای تحقق مطالبات خود هدفمند و آگاهانه متحد شدند.

چهارم این اعتصاب گسترده و شور و اتحاد و اراده برای پیروزی رژیم را به وحشت انداخت و تلاش نمود با بازداشت و ارباب و پرونده‌سازی امنیتی صدای مطالبه‌گری را خاموش کنند، اما همان اسرای دیروزشان همراه ده‌ها و صدها کنشگر جدید و سازمانده مطالبه‌گر خوش درخشیدند و امروز را روزی تاریخی ساختند. معلمان با این یگانگی و اتحاد نشان دادند که بیدی نیستند که از این بادها به لرزند و آرام نخواهند گرفت. برخورد امنیتی و سرکوب و ارباب معلمان شاغل و بازنشسته و سایر اقشار هم‌سرنوشت دیگر کارساز نیست و نه تنها آنها را به سکوت و انفعال نمی‌کشاند، بلکه عزم و اراده مطالبه‌گران را استوارتر می‌سازد. این نبرد ادامه دارد و ما شاهد فراز و فرودهایی خواهیم بود. اما یک چیز روشن است و آن اینکه چاره زحمتکش‌شان وحدت و تشکیلات است. راه دیگری برای پیروزی متصور نیست.

در زیر توجه خوانندگان گرامی را به مقاله بسیار آموزنده‌ای که تارنمای کارگری «داوطلب» در رابطه با اعتصاب معلمان منتشر کرده است، جلب می‌کنیم. باشد تا در تنویر افکار و تقویت مبارزه متحد معلمان و فرهنگیان کوشیده باشیم.

هیات تحریریه

۲۲ آذر ۱۴۰۰ شکوه ماندگار در تاریخ مطالبه‌گری فرهنگیان شاغل و بازنشسته است. این روز از هر نظر شاخص و فراموش نشدنی، بزرگ و با شکوه، آموزنده و روشنگر بود. ما تاکنون در دهه اخیر مبارزه متحد معلمان را با مطالبات مشترک صنفی از نظر وسعت و حضور نیرومند جامعه معلمان کشور، هرگز در این حد گسترده تجربه نکرده بودیم. این اعتصاب صنفی در عین حال پاسخی بود به محافل چپ اندر قیچی، که با نگاه از بالا به مبارزات صنفی معلمان و تحقیر آن و با شعارهای پرطمطراق «چپ شورایی» در رویاهای خود غرق بودند. این اعتصاب در ابعاد گسترده‌ای قابل بررسی است: **یکم** نقش و حضور برجسته و درخشان زنان در تجمعات اعتراضی و اعتصاب معلمان در سراسر کشور، سطح پیشگامی زنان بسیار امیدبخش بوده است. و یکبار دیگر نشان داد که هر تحول سیاسی و یا انقلاب اجتماعی بدون شرکت فعال زنان، که نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهند، به پیروزی نمی‌رسد.

دوم همراهی و حمایت دانش‌آموزان با معلمان، در ۲۲ آذر از هم اکنون با تصاویری ماندگار و همبستگی‌های پرشکوه در حافظه جمعی جنبش مطالباتی نقش بسته است و یادآور همبستگی نیرومند و درخشان دانش‌آموزان در دوره انقلاب ۵۷ با معلمان و دانشجویان و کارگران است.

سوم از نظر بازخوردها در سطح حاکمیت؛ دیوار سکوت و بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی را شکسته، و در عین محکم‌تر

استان و ۸۱ شهر برگزار شده است. «شیراز» یکی از پرشورترین تجمعات را برگزار کرد و در تهران نیز جمعیت بیشتری نسبت به تجمعات قبلی در مقابل مجلس حضور پیدا کردند. همچنین گزارش‌های فعالان صنفی نشان می‌داد که معلمان در برخی شهرها از جمله در برخی شهرستان‌های شیراز، «تیران» اصفهان، «آمل» مازندران یا استان‌هایی چون «سمنان» برای اولین بار به جمع معترضین پیوسته‌اند.

نوآوری در اعتراضات معلمان شعر و آوازخوانی معلمان

علاوه بر گستردگی تجمع اخیر، تصاویر و گزارش‌های منتشر شده نشان می‌داد که تجمع ۲۲ آذر حاوی نوآوری‌هایی بود که در نوع خود جالب توجه است و می‌تواند در راستای جلب توجه افکار عمومی و اطلاع‌رسانی و پیوستن گروه‌های بیشتری از ذینفعان نظام آموزشی به اعتراضات صنفی معلمان موثر باشد. به عنوان نمونه؛ در شهرهایی چون رشت و مریوان، تجمعات معلمان با آوازخوانی برخی از فعالان صنفی همراه شد. در رشت، «عزیز قاسم‌زاده» که علاوه بر معلمی، خواننده موسیقی سنتی است آواز «مرغ سحر» را خواند. این آواز در فرهنگ موسیقایی ایرانیان در زمره آواهای «اعتراضی» مردم نسبت به وضع موجود قرار می‌گیرد و از این نظر اثربخشی موثری در جلب توجه مخاطبان دارد. این در حالیست که در شیراز نیز، معلمان سرود «یار دبستانی» را هم‌خوانی کردند و به این شکل به خلق صحنه‌های جدیدی در جریان تجمعات صنفی چند ماهه اخیر معلمان کمک کردند.

نقاط قوت و فرصت‌ها

حضور صدها معلم در تجمع اعتراضی روز دوشنبه، گرچه بیش از هر چیز موجب شغف و شادمانی شرکت‌کنندگان در این تجمع شده بود اما گفتگوهای انجام شده در شبکه‌های اجتماعی و به خصوص در نشست کلاب هاوس نشان داد که معلمان در ادامه مسیر با چه نقاط ضعف و قوتی، فرصت‌ها و تهدیدهایی مواجه‌اند. بر مبنای گفت و شنودهای صورت گرفته در این نشست مجازی و مشاهدات میدانی، می‌توان نقاط قوت تجمع ۲۲ آذرماه را در موارد زیر دسته بندی کرد:

- گستردگی جمعیت، پراکندگی تجمعات و تمرکززدایی از مرکز:

تجمعات دیگر منحصر به شهرهای بزرگ نیست و تعداد زیادی از شهرهای بزرگ و کوچک به جمع معترضین پیوسته‌اند.

- حضور معلمان جوان در تجمعات:

از جمله گروه‌هایی که در تجمعات اخیر حضور فعالی داشته‌اند، معلمان جوان هستند. نسل نو کنشگران صنفی از میان همین معلمان جوان ظهور کرده‌اند که

«اعتراضات صنفی معلمان در ماه‌های گذشته با شدت بیشتری در جریان بوده است. با این حال در یک هفته‌ای که گذشت این اعتراضات ابعاد تازه‌تری از خود نشان داد، به نحوی که برخی از نیروهای مدنی و سیاسی از آن به عنوان نقطه عطفی در اعتراضات سالهای اخیر معلمان یاد کردند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که در ماه‌های اخیر وظیفه سازماندهی و هماهنگی چند تجمع صنفی را بر عهده گرفته است، در روزهای ۲۰ و ۲۱ آذرماه از معلمان سراسر کشور خواست که در اعتراض به عدم اجرای طرح رتبه‌بندی و افزایش حقوق معلمان شاغل به میزان ۸۰ درصد هیات علمی و همچنین عدم همسان‌سازی حقوق بازنشستگان فرهنگی، کلاس‌های درس حضوری و مجازی را تعطیل کنند و در روز ۲۲ آذر ماه نیز با برگزاری تجمع در مقابل ادارات آموزش و پرورش، مطالبات صنفی خود را به گوش مسئولان برسانند. برگزاری اعتصاب صنفی در روزهای شنبه و یکشنبه و پیوستن معلمان در برخی از مدارس کشور، مقدمه برگزاری تجمع صنفی گسترده‌ای شد که روز دوشنبه یعنی ۲۲ آذرماه رخ داد. از همان ساعات اولیه برگزاری تجمع، گزارش‌ها و تصاویر بسیاری از سوی معلمان در شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شد که نشان‌دهنده گستردگی، پراکندگی و حتی برخورد‌های صورت گرفته با این تجمع بود. در عین حال برگزاری یک نشست در شبکه اجتماعی کلاب هاوس و در اتاقی با نام «حامیان تشکلهای صنفی» با حضور اعضای هیات مدیره تشکلهای صنفی فرهنگیان و فعالان صنفی معلمان در شامگاه ۲۲ آذرماه، ابعاد مختلف این گردهم‌آیی اعتراضی را روشن کرد.

مجموع این نظرات میزان گستردگی و پراکندگی این تجمع، نقاط ضعف، قوت، تهدیدها، فرصت‌ها و حتی نوآوری‌هایی معلمان در جریان اعتراضات صنفی اخیر را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد ثبت و ضبط آنها می‌تواند زمینه تدوین استراتژی برای کنشگری‌های آینده تشکلهای صنفی معلمان را فراهم کند.

گستردگی و پراکندگی تجمعات

مشاهدات میدانی، اظهارات معلمان در شبکه‌های اجتماعی و به خصوص در کلاب هاوس نشان می‌داد که مجموع اعتراضات صنفی برگزار شده اعم از اعتصاب و برگزاری تجمع در روزهای ۲۰، ۲۱، ۲۲ آذرماه، جمعیت بیشتری از معلمان خاموش را به جمع معترضین کشانده است. برخی از معلمان، برگزاری اعتصابات صنفی و تعطیلی کلاس‌های درس را عامل مهمی در پرشور شدن تجمع ۲۲ آذرماه می‌دانستند و برخی دیگر معتقد بودند، تداوم اعتراضات در ماه‌های گذشته سرانجام تعداد بیشتری از معلمان را به حضور در تجمعات برای پیگیری مطالبات صنفی‌شان تشویق کرده است. بنابر گزارش‌های منتشر شده تجمع صنفی ۲۲ آذرماه، در حدود ۳۰

در برخی شهرها، میدان‌دار تجمعات اخیر بوده‌اند.

- رشد چشمگیر حضور زنان در تجمعات:

معلمان شرکت‌کننده در این نشست مجازی، حضور زنان را یکی از نقاط قوت تجمع ۲۲ آذرماه ارزیابی کردند. به گفته آنها، زنان در سالهای اخیر و به ویژه در تجمعاتی که در ماههای اخیر برگزار شده به کنشگرانی فعال در تجمعات صنفی تبدیل شده‌اند و به نوعی میدان‌دار اعتراضات و کنشگری‌های صنفی شده‌اند. معلمان زن هم از نظر سطح مشارکت، درصد قابل توجهی از مشارکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهند و هم با ایراد سخنرانی‌هایی در جمع معترضین، نقش میدان‌داری را در بیان مطالبات صنفی ایفا می‌کنند. با وجود این، همچنان سطح مشارکت زنان معلم در شهرهای بزرگ بیش از شهرهای کوچک‌تر است.

- حضور سایر کادر آموزشی در تجمعات:

به گفته شرکت‌کنندگان در تجمع، نیروهای پرورشی مدارس در تجمعات برخی از شهرهای حضور داشتند که تا پیش از این بی‌سابقه بوده است.

- حضور و همراهی برخی از شهروندان در تجمعات

- حضور معلمانی که تا پیش از این در تجمعات حضور نداشتند: برخی از معلمانی که در تجمع ۲۲ آذرماه شرکت کردند، برای اولین بار به تجمعات صنفی پیوسته بودند.

- حضور نمایندگان و فعالان صنفی در تجمعات:

با وجود اینکه برخی از فعالان صنفی به دلیل باز بودن پرونده‌های امنیتی خود از حضور در تجمعات خودداری می‌کنند، اما در تجمع اخیر برخی از فعالان صنفی با حضور در تجمعات، انگیزه معلمان را برای تداوم کنشگری بیشتر کردند.

- حضور مدیران ادارات آموزش و پرورش در برخی استانها:

حضور رؤسای ادارات آموزش و پرورش در برخی از شهرها و در جمع تجمع‌کنندگان، مورد دیگری بود که فعالان صنفی از آن به عنوان یکی از تفاوت‌های تجمع ۲۲ آذرماه با سایر تجمعات یاد کردند.

- حضور نماینده مجلس در جمع تجمع‌کنندگان:

حضور «هاجر چنارانی» نماینده مجلس در تهران که خود نیز معلم است، در جمع تجمع‌کنندگان خبرساز شد. گرچه نقطه نظرات معلمان در خصوص حضور این نماینده متفاوت بود. برخی آن را امیدبخش ارزیابی می‌کردند و برخی دیگر معتقد بودند، نمایندگان مجلس اساساً دارای اختیار عملی در تصمیم‌گیری نیستند و همراهی آنان در روند پیگیری مطالبات صنفی معلمان اثربخش نیست.

- حضور دانش‌آموزان در برخی از شهرها:

گزارشهای ارائه شده همچنین نشان می‌دهد که در برخی از شهرهایی که تجمع صنفی معلمان در آنها برگزار شده، دانش‌آموزان نیز در تجمعات حضور داشتند. معلمان دلیل این حمایت‌ها را اطلاع‌رسانی گسترده در خصوص مطالبات خود در جریان تعطیلی کلاسهای حضوری و مجازی عنوان می‌کردند.

نقاط ضعف و تهدیدها

علاوه بر نقاط قوت و فرصت‌های مطرح شده از سوی معلمان، برخی از آنان به نقاط ضعف و تهدیدهایی اشاره کردند که کنشگری صنفی معلمان را در ادامه مسیر تحت تاثیر قرار می‌دهند. ضعف‌ها و تهدیدهایی مطرح شده که دو وجه درونی (تشکیلات و شیوه سازماندهی) و بیرونی (ضعف همکاری و تعامل با سایر گروه‌ها همچنین تهدیدهایی حاکمیتی) را شامل می‌شد؛ شامل موارد زیر است:

- ضعف ائتلاف‌گرایی:

با وجود باز شدن فضای تعامل و گفتگو از طریق شبکه‌های اجتماعی در میان معلمان سراسر کشور، بسیاری از نمایندگان این جریان صنفی همچنان با ائتلاف‌گرایی بیگانه‌اند. با وجود اینکه برخی از معلمان از ائتلاف بر سر کیفی‌سازی آموزش به کمک سایر ذینفعان نظام آموزشی از جمله دانش‌آموزان و والدین و برخی ذینفوذان از جمله سیاست‌گذاران سخن می‌گویند؛ برخی دیگر از ضرورت ائتلاف با ذینفعان و ذینفوذان آگاه نیستند.

- فقدان استراتژی مشخص برای پیگیری مطالبات:

برخی از معلمان در صحبت‌های خود از عدم وجود استراتژی برای تداوم پیگیری مطالبات صنفی، انتقاد کردند. به عنوان مثال یک فعال صنفی در فارس با تاکید بر اینکه تجمع معلمان در این شهر باشکوه برگزار شد، تاکید کرد که برگزاری تجمع یک هدف نیست، بلکه وسیله است. او فقدان استراتژی و عدم برنامه‌ریزی تشکلی‌های صنفی فرهنگیان را نقطه ضعف و تهدیدی برای جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان و تداوم پیگیری مطالبات صنفی ارزیابی کرد.

- ناهماهنگی در سر دادن شعارها و دسته‌بندی مطالبات:

در حالیکه برخی از معلمان شرکت‌کننده در تجمع از لزوم پیگیری وضعیت معلمان زندانی در جریان تجمعات و از طریق سردادن شعارهای اعتراضی، دفاع می‌کنند، برخی دیگر معتقدند سردادن شعارهای اعتراضی نسبت به آزادی معلمان زندانی برای امنیتی‌ها حساسیت‌زاست. همچنین برخی از معلمان که به نتیجه رسیدن مطالبات صنفی را در پیوند با

و تحسن‌های بر گزار شده، در افزایش مشارکت کنندگان موثر بود. استمرار این گزارشها و ثبت تجربیات موفق، دستاوردها و حتی شکست‌ها می‌تواند از حاشیه‌نشینی بدنه جلوگیری و جمع بیشتری از آنها را در متن کنشگری صنفی قرار دهد.

- مدیریت هوشمندانه برای از سرگیری یا پایان کنشگری‌های اعتراضی

تجربه فعالان صنفی نشان می‌دهد که تداوم حرکت‌های اعتراضی در صورتیکه به نتیجه مطلوب نرسد، منجر به سرخوردگی بدنه و ناامیدی آنها از کار تشکیلاتی برای پیگیری مطالبات خواهد شد. به همین دلیل بهتر است شروع یا پایان تجمعات و کنشگری‌های اعتراضی مشخص باشد و باید با بررسی دستاوردها برای آن حدی متصور بود تا به انفعال و ناامیدی بدنه، منجر نشود.

- پرهیز از افتادن در دام‌های امنیتی و سیاسی

به اذعان بسیاری از فعالان صنفی، گرچه شیوه برخورد نیروهای امنیتی و انتظامی در تجمع اخیر تا حدی تغییر کرده و صلح‌آمیزتر شده بود اما آنها به طرق دیگری با مداخله در جریان تجمعات، سخنرانی‌ها، اختلاف‌افکنی در بین تشکل‌های صنفی و برجسب زنی امنیتی به فعالان صنفی تلاش می‌کنند، روند پیگیری مطالبات را از کانال صنفی خارج و به سمت زمینه‌چینی برای برخوردهای امنیتی آماده کنند. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از کارویژه‌های تشکیلاتی معلمان، تدوین استراتژی است که با شناسایی این تهدیدها، از افتادن در دام‌های امنیتی و سیاسی جلوگیری و هزینه شرکت در تجمعات مسالمت‌آمیز را برای سایر معلمان به حداقل برساند.

- ائتلاف (با سایر تشکل‌ها، ذینفعان، ذینفوذان و گروه‌های اجتماعی)

ائتلاف با سایر تشکل‌های صنفی، ذینفعانی چون دانش‌آموزان و والدین آنها، ذینفوذانی چون آموزش و پرورش، نمایندگان مجلس و سایر سیاست‌گذاران و گروه‌های اجتماعی همچون کارگران و دانشجویان یک تاکتیک موثر و ضرورتی است که جای خالی آن امروز بیش از هر زمان دیگری در فعالیت‌های تشکل‌های مستقل صنفی معلمان احساس می‌شود. کلیه ذینفعان، ذینفوذان و حامیان می‌توانند ضمن حفظ استقلال تشکیلاتی خود با جریان سیاسی یا اجتماعی دیگر بر سر مطالبات مشترک ائتلاف ایجاد و از ظرفیت آن استفاده کنند. به خاطر داشته باشیم برای به نتیجه رسیدن یک کنش صنفی مبتنی بر ائتلاف‌گرایی باید به ضرورت رابطه برد-برد برای همه طرفین درگیر با موضوع ائتلاف توجه کنیم چراکه تنها در چنین شرایطی است که می‌توان به اثربخش بودن نتیجه یک کنش صنفی در درازمدت امیدوار بود.*

مطالبات اجتماعی سایر مزدبگیران ممکن می‌بینند با اعتراض آندسته از معلمانی مواجه می‌شوند که تمرکز بر مطالبات صنفی معلمان را بر پیوند دادن این مطالبات با سایر گروه‌های اجتماعی امن‌تر ارزیابی می‌کنند.

- اختلاف بر سر شیوه پیگیری مطالبات:

در حالیکه برخی از معلمان، تعطیلی کلاس‌ها را استراتژی موثری برای پیگیری مطالبات صنفی و فشار آوردن بر حاکمیت برای پاسخگویی به مطالبات نظام آموزشی می‌دانند، گروهی دیگر معتقدند تعطیل کردن کلاس‌های درس به ضرر دانش‌آموزان است.

- غیرقابل پیش‌بینی بودن برخورد حاکمیت با تجمعات:

معلمان شرکت‌کننده در تجمع تاکید می‌کردند که برخوردهای صورت گرفته در برخی نقاط از جمله در تهران به بازداشت یا دستگیری معلمی منجر نشده و به نظر می‌رسد، رویکرد حاکمیت در برخی موارد دچار تعدیل‌هایی شده است. با این همه برخی از فعالان صنفی با تاکید بر این نکته که همچنان شیوه برخورد حاکمیت در ارتباط با تجمعات اعتراضی غیرقابل پیش‌بینی است، تاکید کردند که باید تا حد امکان با حساسیت‌زدایی از سیاسی شدن تجمعات پیشگیری کرد.

- نیازسنجی برای تداوم کنشگری آگاهانه

اعتراضات اخیر معلمان نشان داد که بخش زیادی از کنشگری‌های صنفی انجام شده در ماه‌های اخیر، آگاهانه و با هدف پیگیری مطالبات صنفی از راه‌های مسالمت‌جویانه دنبال شده است. اما برای تداوم چنین کنشگری مسئولانه و آگاهانه‌ای چه باید کرد؟

با توجه به مجموع نظرات مطرح شده از سوی معلمان در شبکه‌های اجتماعی، تشکل‌های صنفی معلمان به عنوان سازمان‌دهندگان برای تداوم مسیر مطالبه‌گری و حفظ اعتماد بدنه صنفی به فعالیت تشکیلاتی، به یک نقشه راه و برنامه عمل موثر با توجه به موارد زیر نیاز دارند:

- تدوین استراتژی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت

تدوین استراتژی و برنامه‌ریزی برای اثربخشی و نتیجه‌مند بودن فعالیت‌های صنفی یکی از ضروریات کار تشکیلاتی است که به نظر می‌رسد همچنان بسیاری از تشکل‌های صنفی و کارگری در ایران نسبت به آن کم‌توجه‌اند و به صورت آبی و لحظه‌ای اقداماتی را در دستور کار قرار می‌دهند.

- گزارش‌دهی مستمر و بیان دستاوردها

گزارش‌دهی مستمر یکی از وجوه اصلی جلب اعتماد بدنه به فعالیت تشکیلاتی است. در اعتراضات اخیر تصاویر و گزارش‌های منتشر شده در خصوص گسترده‌گی و ابعاد تجمعات



قطعنامه پایانی تجمع سراسری معلمان ایران

۲ دی ماه ۱۴۰۰

سناریوسازی به شیوه کیهان برای مقهور کردن و امنیتی کردن مطالبات صنفی راه به جایی نخواهد برد شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در خصوص تحصن‌های ۲۰ و ۲۱ آذر ماه و تجمع اعتراضی معلمان در دوشنبه ۲۲ آذر قطعنامه در همان روز منتشر کرد. این تجمعات، که از روز شنبه آغاز شدند، در ۱۱۰ شهر کشور با مطالبات زیر برگزار گردید:

اجرای رتبه بندی و همسان‌سازی.

« اجرای کامل رتبه بندی معلمان شاغل و اجرای همسان‌سازی حقوق برای فرهنگیان بازنشسته و آزادی معلمان زندانی.»

در پایان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اعلام کرد بودجه ۱۴۰۱ و عملکرد دولت و مجلس تاکنون مورد رضایت فرهنگیان نیست و اگر خروجی جلسه فردا حداقل حقوق معلمان را بر مبنای حداقل هشتاد درصد حقوق اعضای هیئت علمی دانشگاه تا خط فقر، یعنی ۱۲ میلیون، افزایش ندهد و بودجه همسان‌سازی واقعی برای اجرا از مهر ۱۴۰۰ تأمین نگردد، این اعتراضات در ابعاد گسترده‌تر ادامه خواهد یافت.

شورای هماهنگی از آن دسته از همکارانی که به هر دلیل تاکنون به اعتراضات نپیوسته‌اند، درخواست کرد تا برای تحقق

مطالبات به فراخوان‌های بعدی شورای هماهنگی بپیوندند. قطعنامه‌ای که در زیر ملاحظه می‌فرمائید، روز پنجشنبه دوم دیماه ۱۴۰۰ به مناسبت تجمعات مجدد و سراسری معلمان منتشر شده است. امروز، پنجشنبه دوم دیماه، طبق فراخوان کانون صنفی فرهنگیان، معلمان در بیش از ۱۰۲ شهر بزرگ و کوچک ایران و در یک فضای امنیتی در مقابل ادارات آموزش و پرورش دست به تجمع زدند. در شیراز و تهران نیروهای سرکوبگر انتظامی به تجمع مسالمت‌آمیز مردم یورش بردند که با صف متحد معلمان روبرو شدند.

فرهنگیان شاغل و بازنشسته نسبت به سرهم‌بندی رتبه‌بندی توسط مجلس اعتراض دارند و خواهان اجرای صحیح طرح رتبه‌بندی به میزان ۸۰ درصد هیأت علمی برای معلمان شاغل، اجرای همسان‌سازی حقوق برای معلمان بازنشسته و تحقق دیگر خواسته‌های خود هستند. اما رژیم همچنان معلمان را به صبر و «وقت گل‌نی» دعوت می‌کند و معلمان، که کارد به استخوان‌شان رسیده است و کمرشان زیر بار فقر و گرانی خم شده دیگر زیر بار این نصایح پوچ و ریاکارانه نمی‌روند و به اعتراضات خود ادامه می‌دهند.

از اعتراضات معلمان و مطالبات‌شان دفاع کنیم و صدایشان باشیم!

زنده باد صف متحد معلمان ایران!

معلم زندانی آزاد باید گردد!

در قطعنامه پایانی چنین آمد:

فرهنگیان عزیز، دانش آموزان و اولیای گرامی!

«ما امروز اینجا جمع شدیم که به سیاست‌های حاکمیت در قبال فرهنگیان شاغل و بازنشسته و بی‌توجهی به آموزش با کیفیت و رایگان اعتراض کنیم ما در اینجا جمع شده‌ایم تا اعلام کنیم:

۱. امروز زندگی بازنشستگان شریف و عزیز با مخاطرات جدی روبرو است حقوق آنان دو برابر زیر خط فقر است از بیمه کارآمد محرومند و قانون همسان‌سازی بازنشستگان مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری اجرا نمی‌شود. ما خواهان اجرای کامل قانون همسان‌سازی از اول مهر ۱۴۰۰ هستیم و بیش از این نمی‌توانیم به این وضعیت ظالمانه ادامه دهیم.

۲. مصوبه مجلس در مورد رتبه‌بندی چیزی جز سرهم‌بندی نبود جالب اینکه دولت مدعی شده‌است که همین لایحه ناقص و تحمیلی را هم در سال ۱۴۰۰ اجرا نخواهد کرد. ما خواهان اجرای لایحه رتبه‌بندی بدون در نظر گرفتن میزان اعتبار در نیمه دوم ۱۴۰۰ هستیم. باید حقوق معلمان بخش خصوصی در مدارس غیردولتی، معلمان نهضت سوادآموزی، خرید خدمات، نیروهای خدماتی و سایر بخش‌ها با توجه به رتبه‌بندی افزایش یابد. ما نسبت به این همه تضييع حقوق و ستم به فرهنگیان بیزاریم و در مقابل این همه ستم سکوت نمی‌کنیم.

۳. وضعیت و کیفیت آموزش بحرانی است فقدان امکانات و آموزش پولی باعث بازماندن بیش از سه میلیون کودک از آموزش شده‌است ما خواهان کیفیت‌بخشی به آموزش و ارائه آموزش کیفی و رایگان و عادلانه در تمام کشور به ویژه مناطق محروم هستیم.

۴. سناریوسازی به شیوه کیهان برای مقهور کردن و امنیتی کردن مطالبات صنفی راه به جایی نخواهد برد سال‌هاست که فعالان صنفی زیر ضرب هستند و زندان و اخراج به آنان تحمیل می‌شود اما کنشگری متوقف نمی‌شود. امروز آزادی معلمان دربند یک مطالبه جدی نزد معلمان است و آزادی آقای رسول بدایقی نتیجه این مطالبه‌گری است و ما آن را به فال نیک می‌گیریم اما خواسته معلمان آزادی بدون قید و شرط تمام معلمان زندانی، توقف احضار و بازجویی فعالان صنفی و توقف پرونده‌سازی و دادگاه‌های ظالمانه است. ما به خط سرکوب فعالان اعتراض داریم و با تمام قدرت از معلمان دربند حمایت می‌کنیم.

۵. ما از افزایش حقوق تمام اقشار اجتماعی و کارگران و زحمتکشان به بالای خط فقر حمایت می‌کنیم و زندگی

شرافتمندانه را حق همگانی می‌دانیم و با تحلیل‌های غیرکارشناسی که افزایش حقوق معلمان را تورم‌زا می‌داند مخالفت می‌کنیم. این حقوق‌های نجومی، اختلاس‌های بزرگ و تمرکز ثروت و قدرت در دست یک عده قلیل است که امنیت مالی و روانی اکثریت جامعه را به خطر انداخته است. ما تشویش اذهان عمومی علیه معلمان توسط صدا و سیما را محکوم می‌کنیم.

۶. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران یک تشکل صنفی و مستقل است که از کانون‌های صنفی و انجمن‌های صنفی فرهنگیان تشکیل شده‌است این کانون‌ها و انجمن‌ها تشکلهای صنفی، مستقل و دارای شناسنامه و قانونی هستند.

شورای هماهنگی ضمن استقبال از آزادی رسول بدایقی انتظار دارد حاکمیت به رفتارهای امنیتی با معلمان ایران پایان دهد. اسماعیل عبدی پس از اتمام ۶ سال زندان یک سال است که زندان ۱۰ ساله خود را می‌گذراند و در انتظار اعاده دادرسی است. ما خواهان مختومه شدن پرونده او و منع تعقیب او و پایان ظلم‌های رفته به او و خانواده اش هستیم. در اقدامی عجیب عزیز قاسم زاده سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان بدون اخذ ضرورت آخرین دفاع در دادسرا پرونده اش به دادگاه رفت. ما ضمن اعتراض به این رویه غیر حقوقی و شکفت انگیز خواهان مختومه شدن پرونده او و منع تعقیب او در دادگاه هستیم. همچنین به حکم صادره ۷ ماه زندان تعزیری لطیف روزیخواه عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان آذربایجان شرقی و صدور حکم جزای نقدی سنگین علیه محمود ملاکی عضو ارشد کانون صنفی فرهنگیان بوشهر و آزادی یعقوب یزدانی و محمد رضا رمضانزاده دبیر کل سابق شورای هماهنگی و مهدی فتحی از استان فارس هستیم.

در پایان اعلام می‌کنیم شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بر عهد و پیمان خود با فرهنگیان شاغل و بازنشسته تاکید دارد و تا تحقق کامل مطالبات با حمایت فرهنگیان دست از مطالبه‌گری برنخواهد داشت و روند اعتراضات را با شدت هر چه بیشتر ادامه خواهد داد، همچنین از دولت و مجلس می‌خواهد بیش از این در مقابل خواست و اراده ی معلمان نایستند و از قوه قضائیه می‌خواهد به پرونده سازی‌ها علیه فعالان صنفی از جمله غلامرضا غلامی و روح الله مردانی و دیگر فعالان صنفی پایان دهد.

به امید تحقق آزادی و عدالت و رفاه و شادی و صلح در ایران عزیز!*



تجمعات باشکوه صنفی معلمان و پاسخی به حملات رذیلاته اوباشان کیهان!

اعتراض کیهان به تجمعات صنفی معلمان: «به جای تجمع بی در و پیکر خیابانی، رفتار مدنی داشته باشید».

کیهان تهران که زبان رسمی رهبر جمهوری اسلامی است و جز توسط به جماعت و سرکوب و اعراب سخن نمی گوید در قبال موج عظیم مسالمت آمیز اعتراضات معلمان سراسر ایران عنان از دست داد و نوشت:

«اینکه معلمان، بازنشستگان، کارگران، کشاورزان و گروه‌های اجتماعی مشابه، با مشکلات اقتصادی دست به گریبانند، بر کسی پوشیده نیست. عیبی هم ندارد، بلکه بجا و مبتنی بر حق هم هست که دغدغه‌ها و مشکلات خود را به گوش مسئولان برسانند و انتظار تدبیر و چاره‌جویی در حد مقدرات راداشته باشند اصلاً شان نزول مدیریت و مسئولیت، رسیدگی به مشکلات مردم به‌ویژه طبقات متوسط و پایین به‌عنوان ولی نعمت مسئولان است»

کیهان در ادامه، اعتراض معلمان در کف خیابان را اقدامی انحرافی که مورد سوء استفاده و موج سواری دشمنان کلیت ملت ایران قرار می‌گیرد دست به تهدید زد و نوشت:

«در عین حال آیا نسبت به مشکلات باید رویکرد جزیره‌ای و صرفاً صنفی داشت، یا اینکه در کنار طرح مطالبات صنفی، نباید از منافع و مصالح کلان ملی غفلت کرد؟ به عبارت دیگر باید مراقب بود با دمیدن در مشکلات صنفی و مطالبه اختصاص بودجه و منابع - که نوعاً کمیاب و محدود هم هستند- نقض غرض نشود و برآیند مسیر چاره‌جویی، موجب مشکلات جدید (مثل تولید نقدینگی و تورم جدید و...) که دود آن در چشم همه می‌رود، نشود آیا تنها راه طرح مطالبات و مشکلات، تجمعات بی‌در و پیکر خیابانی است که هیچ‌کس مسئولیت راه‌اندازی و اتفاقات متن و حاشیه آن را به‌عهده نمی‌گیرد، یا روش‌های مدنی‌تر، مفیدتر و کم‌هزینه‌تر هم وجود دارد؟ مسئولیت انحراف این تجمعات و موج سواری دشمنان کلیت ملت ایران با کیست؟ آیا هزینه‌های هنگفت این موج سواری، جز از جیب ملت ایران پرداخت می‌شود؟»

اما این یاوه گویی و وانگشت تهدید کیهان فوراً از طرف معلمان شریف ایران پاسخ گرفت. آقای محمود بهشتی لنگرودی نایب رییس کانون صنفی معلمان در گفتگویی با رسانه امتداد به این مسئله چنین جواب داد:

«به نظر من از روزنامه کیهان، توقعی غیر از این گونه موضع‌گیری نمی‌رود. اما حرکت مدنی در همه‌ی جهان تعریف دارد. در حرکت مدنی، نامه‌نگاری،

طومارنویسی، مذاکره، حرکت اعتراضی و دیگر روش‌ها پیش‌بینی شده است... مثلاً در همین اجتماع عظیم معلمان در استان فارس، همه دیدند که فرهنگیان، بدون سردادن کوچکتترین شعار هنجارشکنانه و بدون شکستن حتی یک شیشه در شهر، اعتراض خود را به مدنی‌ترین شکل ممکن بیان کردند و هیچ سنگی هم پرتاب نشد. منتها، ظاهراً تعریف آقایان از حرکت مدنی با تعریف دنیا متفاوت است. از نگاه آقایان، حرکت مدنی این است که یک عده به سفارت انگلیس حمله کرده و سنگ و آتش به داخل سفارت پرتاب کنند. حرکت مدنی از دید آن‌ها، این است که عده‌ای به سفارت عربستان حمله کرده و با آتش زدن آن برای منافع ملی کشور هزینه‌تراشی کنند». آقای بهشتی لنگرودی همچنین در پایان با اشاره به برنامه آتی معلمان برای پیگیری مطالبات فرهنگیان، خاطر نشان کرد: «مطالبه‌گری صد در صد ادامه دارد ولی با توجه به مصوبه جدید مجلس، شکل این مطالبه‌گری در شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی مورد بحث گذاشته شده و پس از بررسی همه جوانب مسئله از سوی اعضا، تصمیم نهایی در قالب بیانیه‌ای به زودی اعلام خواهد شد».

واقعیت آنست که رسانه‌های حکومتی وقتی متوجه شدند تاکتیک سکوت آنها در باره اعتراضات درخشان روز ۱۱ آذر

فرهنگیان ره بجایی نبرد این بار اما با توسل به شیوه چاپلوسی و تهدید و اعراب، مذبح‌خانه در پی بی اعتبار کردن این حرکت عظیم فرهنگیان هستند. در همین رابطه علیرضا منادی سفیدان، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، و در گفتگویی با رسانه ایلنا می‌گوید: «معلم حق دارد که حرف خود را بزند، البته در خصوص رتبه‌بندی به معلمان اطلاعات غلط داده شده و واقعیت را واژگون جلوه دادند. مجلس با تمام قدرت می‌خواهد از معلمان حمایت کند اما به گونه‌ای القا کردند که مجلس با این طرح مخالف است». یا اینکه آقای محمدرضا صباغیان بافقی نماینده مردم مهریز و بافق در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، می‌گوید: «حقوق و دریافتی معلمان کم است و واقعا کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد. دوم اینکه حق معلمان است که مسائل خود را مطالبه کنند. متأسفانه در کشور ما به نحوی شده است که تا کسی اعتراض نکند، حقش را به او نمی‌دهند. وی افزود: مساله سوم؛ علت و دلیل این تجمعات این است که تشکل صنفی ندارند. چند میلیون معلم تشکل صنفی ندارند، خوب طبیعتاً به این روش تلاش می‌کنند اعتراض و دغدغه‌های خود را بیان کنند». به آقای صباغیان باید گفت دروغ و ریاکاری بس است! فرهنگیان سالهاست به رغم همه بگیر و ببندها، سرکوب و بازداشت‌های عنان گسیخته دارای تشکل صنفی مستقل و متحدی هستند و طبعاً چنین تشکلی از نوع تشکلات دست ساز دولتی نظیر «شوراهای اسلامی نیست».

واقعیت این است معلمان شریف ایران متحد و یکپارچه مصمم هستند بیش از این صبر و تمکین نکنند و در اعتراضات اخیر نیز با صدای بلند فریاد زده اند که «دیگر چیزی برای از دست دادن نداریم». تهدید و اعراب و بازداشت و سرکوب دیگر اثر ندارد! در پایان باید به این نکته اشاره کنیم که بر اساس منابع رسمی، خط فقر در وضعیت کنونی اقتصاد کشور، حدود ۱۲ تا ۱۳ میلیون تومان است. این مسئله به این معنی است که حتی با اجرای مصوبه جدید مجلس، معلمان به خط فقر نخواهند رسید. علل اینهمه تظاهرات معلمان در کف خیابان بخاطر ۲۵ سال سابقه کار فرهنگیان و دریافت حقوقی زیر خط فقر است. کیهان جمهوری اسلامی از وضعیت تحریمی و فشار خارجی سخن می‌گوید و به پند و اندرز معلمان می‌پردازد. اگر کشور وضعیت تحریمی دارد که حتمن همینطور است و شرایط انقلابی وجود دارد، پس بودجه هیچ نهادی نباید تغییر کند. چرا این تحریم در قوه قضائیه، در نهادهای مذهبی و خرافی و در صدا و سیما خود را نشان نداده و اخیراً، زرمه‌هایی نیز درباره افزایش چند برابری حقوق قضات مطرح شده است...؟! عربه کشی کیهان فقط ناشی از ترس و وحشتی است که از استمرار اعتراضات و گسترش آنها تمام ارکان حاکمیت از جمله شخص رهبر جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. وقتی رژیم بیشرمانه اعتراضات مسالمت آمیز معلمان را به «آلت دست شدن» و «عوامل خارجی و «استکبار جهانی» نسبت دهد، نه نشانه قدرت بلکه ناشی از ضعف رژیم فاسد و تبه‌کاری است که از مردمش بیش از دشمن خارجی می‌ترسد و توان و اراده کوچکتترین مطالبات معلمان و سایر زحمتکشان را ندارد.*



چه کسی با مطالبات معلمان مخالفت می‌کند؟

محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان درمورد مطالبات معلمان چنین می‌گوید:

در طول ۹ ماه گذشته که بارها تجمعات فراوان از سوی معلمان انجام شده بود، این قشر فریاد زدند که دو مطالبه مشخص دارند. مسئله اول اجرای طرح رتبه‌بندی برای معلمان شاغل بود و دومی هم همسان‌سازی حقوق شاغل و بازنشسته. مطالبه‌ای که البته محدود به امروز و دیروز هم نیست و سال‌هاست که معلمان با دولت‌های مختلف بر سر آن حرف زده‌اند.

پس از اینکه وقعی به خواسته‌های معلمان گذاشته نشد، معلمان دست به اعتراضی جدی‌تر از گذشته زدند. اعتراضی سه‌روزه که در روزهای ابتدای هفته یعنی شنبه و یکشنبه در مدارس بود و روز گذشته هم معلمان از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در حدود ۱۰۰ شهر ایران دست به تجمع زدند.

او با اشاره به حواشی این تجمعات گفت:

تجمعات کاملاً مسالمت‌آمیز بود و هیچ اتفاق بدی هم رخ نداده است. تنها در یکی از تجمعات در شهر تهران موبایل یکی از معلمان توسط یکی از نیروهای امنیتی گرفته شد که پس از گفت‌وگو مسئول انتظامی تجمع با مسئول امنیتی حاضر در محیط مسئله ختم به خیر شد. حبیبی می‌گوید: تازه این اعداد کف مطالبات معلمان است: «مشکل اینجاست که مجلس در اجرای طرح رتبه‌بندی بودجه مورد نظر را اختصاص نمی‌دهد. عدد مورد نظر ما ۲۵ میلیون بود اما مجلس حرف از دوازده و نیم میلیون برای شش ماه می‌زند. در این صورت افزایش حقوق‌ها برای سال آینده بسیار ناچیز خواهد بود و رقم دریافتی هیچ نسبتی با مطالبات معلمان نخواهد داشت. تازه اینها عدد مطلوب حداقلی است. چرا که معلمان می‌دانند که کشور در چه وضعیتی است و تنها رقم حداقلی خود را مطرح می‌کنند، نه رقمی که واقعا لیاقت دریافتش را دارند.

او با اشاره به حضور یک نماینده مجلس در تجمع روز گذشته عنوان کرد:

در تجمع روز گذشته، چنان‌رانی نماینده مجلس و عضو کمیسیون آموزش در جمع حاضر شد و وعده‌هایی داد که امیدواریم اجرا شود. او قول داد تمام تلاشش را به کار گیرد تا طرح‌ها همان‌طور که پیش‌تر مطرح شده بودند اجرا شوند و بودجه کافی برای آموزش و پرورش اختصاص داده شود. البته همین که لایحه به صحن نرسیده است نشان می‌دهد که خودشان هم درباره آن به توافق نرسیده‌اند اما باید دید که نتیجه چه خواهد شد. حبیبی معتقد است راه مقابله با این مشکلات نه رفتارهای امنیتی که مبارزه با فساد است: «دولت می‌گوید این مشکلات به خاطر تحریم است. شما می‌بینید که تنها معلمان هم نیستند که اعلام نارضایتی می‌کنند. کارگران، پرستاران، رانندگان و بسیاری از اصناف دیگر هم به خیابان‌ها آمده‌اند چون درآمدی ندارند. راه‌حل نه رفتارهای امنیتی بلکه مقابله با فساد سیستماتیک است.» مدتی کوتاه پس از اعتصاب سراسری معلمان، منادی، رئیس کمیسیون آموزش گفت:

درصدهای افزایش حقوق ناشی از به ۴۵ تا ۷۵ درصد تغییر کرد که در متن قبلی ۱۰ تا ۵۳ درصد بود. سهمیه‌بندی رتبه‌ها هم حذف شده و دیگر محدودیتی مشخص نمی‌شود. به گفته او، در متن قبلی سهمیه‌های محدودکننده‌ای از جمله ۱۰ درصد برای هر یک از رتبه‌های استاد معلم، دانشیار معلم و استادیار معلم تعیین شده بود. اما این نخستین بار نیست که منادی چنین اظهارات امیدوارکننده‌ای را مطرح می‌کند. او پیش‌تر هم از تصویب ۶۰ هزار میلیارد بودجه برای اجرای طرح رتبه‌بندی خبر داده بود.

اما هربار و پس از این اظهارات از سوی منادی، قالیباف به‌عنوان رئیس مجلس صریحاً حرف او را تکذیب کرده است. این تکذیب‌ها تا حدی بوده که برخی گمانه‌زنی‌ها مبنی بر وجود اختلاف بین کمیسیون آموزش و هیات رئیسه مجلس در ماه‌های اخیر قوت گرفته است. به همین دلیل هم این انتظار می‌رود که این اظهار نظر منادی بار دیگر از سوی قالیباف تکذیب شود. اینها همه در حالی است که به جز مشکلات معیشتی معلمان که قرار است به عنوان تربیت‌کنندگان نسل آینده کشور عمل کنند، کمبود بودجه در وزارت آموزش و پرورش در سال‌های اخیر موجب بروز مشکلات عدیده‌ای در حوزه آموزش و پرورش شده است. نمود بارز طبقاتی شدن آموزش عمومی مدارس در همین دو سال اخیر و در مواجهه با پاندمی کرونا خود را نشان داد. آنجا که دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی توانستند با استفاده از کلاس‌های جبرانی مدارس دوران سخت آموزش مجازی را پشت‌سر بگذارند اما دانش‌آموزان مدارس دولتی با انواع مشکلات تحصیلی مواجه شده بودند. مشخص نیست در شرایطی که طبق پیش‌بینی مرکز پژوهش‌ها، کشور در همین امسال با حدود ۳۰۰ هزار میلیارد کسری بودجه مواجه شده است، چطور قرار است مطالبات فرهنگیان عملی شود. آن هم در شرایطی که معلمان صراحتاً اعلام کرده‌اند در صورت اجرانشدن طرح‌ها به شکلی که باید، به تجمعات و تحصنات خود ادامه خواهند داد.*

«بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی»
و این عدالت پروردگار آیا بر اساس این گفتار نغز سعدی رقم زده شده
است و یا بر اساس کنایه حافظ شیرازی که می‌سراید:

«پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت
آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد»

نویسنده با قلمی ساده چون چاقوئی تیز به کالبد شکافی دین، ادبیات، تاثیرات دین بر اجتماع و ادبیات دست زده و به عرصه فلسفه و جامعه شناسی با همان زبان ادبی، و تسلط بر گنجینه شعر و ادبیات فارسی گام گذارده است و خیام، فردوسی و مولانا را برای کشف حقایق به یاری می‌طلبد. پروین اعتصامی شاعره زن، عبیدزاکانی شاعر شکاک و آموزگار طنز نیز از بازیگران این تئاتر زندگی هستند. سعدی که دخترش نماد سفر در ضرب المثل ایرانی است به اقصی نقاط جهان برای کشف حقیقت از شرق تا غرب، از شمال به جنوب سفر می‌کند و ممالکی را در آن پا می‌گذارد برای خواننده توصیف می‌نماید، چه آنها که قربانی استعمارند و از بدنشان خون می‌چکد و چه آنها که این خون را برای ادامه بقاء خود با چهره‌های «انسان دوستانه» سر می‌کشند، سعدی و جمال‌زاده به صحرای محشر می‌روند و آه و ناله شکنجه‌شدگانی را که انتظار رسیدگی به نقض حقوق بشرشان را ندارند با گوش می‌شوند و می‌بینند که به محضر فرهیختگان دست یافته‌اند. گالیله در گوشه‌ای نشسته و به گفتار داروین گوش می‌دهد از افلاطون و کانت گرفته تا ژان پل سارتر به جدل و بحث و بیان تجربیات خویش مشغولند و همه چشم به مردی بزرگ به نام کارل مارکس دارند. مردی که دنیا را تغییر داد و بنی آدم را اعضاء یکدیگر دانست. همه این انسان‌ها ولی در محضر ابلیس که زنی رقیب خدای مذکر است، گرد می‌آیند و از محضر وی کمال فیض را می‌برند. غرب خونریز باید بپذیرد که آفتاب از شرق می‌آید و ما با باد جدیدی روبرو هستیم که «نسیم» غرب را پس می‌زند.

نویسنده به همه عرصه‌های زندگی، ادبی، هنری، تاریخی، جغرافیایی، دینی، جوامع انسانی، فلسفی، ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی سر می‌زند و از آنها گذر می‌کند و همه آنها را در متن خلقت بشر که محصول تکامل تدریجی طبیعت و ماده است به نقد می‌کشد.

مطالعه این اثر نادر که مظهر توانائی و دانائی است به بسیاری از پیچیدگی‌ها به زبان ساده پاسخ می‌دهد و راز خلقت را می‌گشاید که چیزی جز این نباشد که همه چیز در حال حرکت بی انتهاست. نه آغازی بوده و نه پایانی بر آن متصور است. همه چیز در حال تحول و شدن است و شناخت انسان برای شناخت به ماهیت ماده متکامل پایانی ندارد. شناخت و دانائی تنها متکی بر موارد مشخص مطلق است، ولی در سیر و تحول شناخت بی نهایت نسبت به تغییرات ماده متحرک، نسبی است. حزب کار ایران (توفان) مطالعه این اثر را به همه رفقا و خوانندگان توفان توصیه می‌کند و از رفیق «آزاده مستعار» که اجازه انتشار این اثر را به ما داد متشکریم. امیدواریم که این رفیق هرگز به دست کسانی که پیشانی آنها کبره بسته و امیال خدای مرد را بر زمین نسبت به گمراهی این رفیق و «سجده» اش در مقابل ابلیس با توسل به قلاده و زنجیر به اجراء درمی‌آورند، گرفتار نشود و به تاریخ و ادبیات ایران خدمت کند.

حزب کار ایران (توفان)

دوشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۰

<http://www.toufan.org/Ketabkhaneh/Af-pdf.20211018%20Sheitani%sanehaye>

به کوشش و اهتمام آزاده مستعار

معرفی یک اثر ارزشمند

گذری بر اثری زیبا و خواندنی

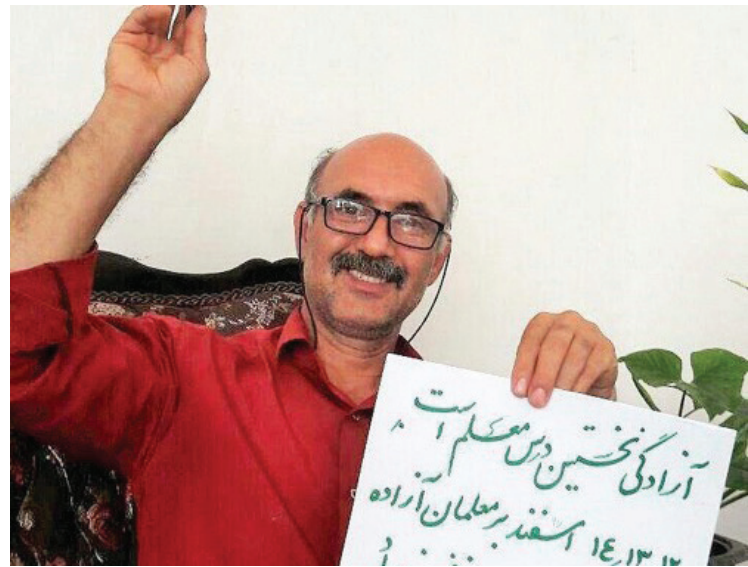
اخیرا رفیقی با نام مستعار «آزاده مستعار» اثری با عنوان «افسانه‌های شیطنی» به نگارش درآورده و منتشر کرده است که در حد خود بی نظیر است و ما مطالعه آن را به همه ایرانیان توصیه می‌کنیم. حزب ما با توجه به محتوی آموزنده این اثر آن را در تارنمای توفان قرار داده و منتشر می‌کند.

«آزاده» زن است که از ترس پیگرد سیاسی و دینی با نام «مستعار» به عرصه آمده و حاکی از آن است که در متن کتاب ارزش والائی به زنان این موجودات خلقت طبیعی داده شده است. نقش زنان در این اثر در مبارزه با خرافات، دین و افسانه آفرینش در البسه «ابلیس» نقش کلیدی است و به خوبی صحنه مبارزه میان خدای «مرد» و شیطان «زن» را در اداره اجتماع و زندگی بشریت، در حمایت از مردسالاری و تساوی حقوق زن و مرد چون اعضاء یک پیکر اجتماعی هستند، آنهم در جامعه انسانی که محصول مبارزه طبقاتی به عنوان موتور تاریخ است ترسیم می‌کند. تمام این صحنه‌های زیبا و مسحور کننده از زبان شیخ سعدی شیراز و آقای کمال‌زاده که کنایه‌ایست به جمال‌زاده ولی در عین حال انسانی است که به دنبال کشف کائنات و نیل به کمال می‌باشد، بیان می‌گردد. محتوی کتاب محاوره سعدی با کمال‌زاده است تا ببینند که آیا:

.....متأسفانه آقای رسول بدافی عضو هیات مدیره کانون صنفی اسلامشهر و نماینده این تشکل در شورای هماهنگی توسط پلیس امنیت به صورت خشونت آمیز و همراه با هتک حرمت بازداشت شده‌اند.

رسول بدافی یکی از فعالان برجسته صنفی و فداکار است که پیش از این نیز ۷ سال به خاطر فعالیت صنفی متحمل زندان شده اما هرگز از مطالبه‌گری دست برنداشته‌است و شجاعانه در مسیر حق‌طلبی و تحقق مطالبات معلمان و حقوق دانش‌آموزان ایستادگی نموده‌است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم نمودن بازداشت این فعال صنفی وارسته تاکید می‌کند اگر چه آقای بدافی از افراد موثر جنبش معلمان است اما امروز هر معلم یک لیدر و سازمان‌دهنده موثر در جنبش است و با بازداشت‌ها و برخوردهای غیرقانونی نمی‌توان بر روند مطالبه‌گری تاثیر منفی گذاشت. شورای هماهنگی خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط آقای رسول بدافی و سایر معلمان زندانی و توقف احضار و دادگاهی کردن فعالان صنفی است و قدرتمندانه اعتصاب فردا، یکشنبه، ۲۱ آذر را در تمام مدارس ادامه خواهد داد و روز دوشنبه، ۲۲ آذر بزرگترین تجمع خود را برای تحقق رتبه‌بندی کامل شاغلان و همسان‌سازی بازنشستگان برگزار خواهد نمود. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اعلام می‌کند که معلمان مطالبه جو، مرعوب این برخوردها نخواهند شد و برای تحقق منافع عالی فرهنگیان و فرزندان خود و فرزندان ایران به اعتصاب و تجمع سراسری می‌پیوندند....."

دو سندیکای مستقل کارگری شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه. کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با انتشار بیانیه مشترکی تحت عنوان بازداشت و پرونده سازی برای رسول بدافی از فعالین صنفی معلمان را شدیداً محکوم میکنیم، انتشار دادند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط این معلم و سایر معلمان در بند شدند. در این بیانیه چنین آمده است: «رسول بدافی و عضو کانون صنفی معلمان اسلامشهر و نماینده این کانون در شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران» معلم فداکار و دلسوزی است که دغدغه‌ای جز تحصیل رایگان برای همه دانش‌آموزان و بهبود شرایط سخت معیشت همکارانش نداشته‌است. او در طی دو دهه گذشته به خاطر فعالیت‌های صنفی و پیگیری مطالبات صنفی معلمان، با پرونده سازی‌های عوامل امنیتی و قضایی ۷ سال حکم زندان گرفت، اما فشارهای امنیتی و حکم ظالمانه زندان نه تنها اراده او را در مبارزه با ظلم و فقر و بی‌عدالتی و فساد درهم نشکست، که مصمم تر و محکم ترش کرد. او پس از زندان مسیر حق‌خواهی و مطالبه‌گری را پیگیرانه و با جسارت و شهامت مدنی ستایش‌انگیزی پیگیری کرد. رسول بدافی یک روز پیش از تجمع باشکوه سراسری ۲۲ آذر معلمان با یورش عوامل امنیتی، همراه با ضرب و شتم و در حالی که حتی اجازه لباس پوشیدن به او ندادند بازداشت شد و با همان شرایط به بند ۲۰۹ اوین منتقل گردید. اما این بازداشت برخلاف انتظارات عاملان و آمرانش نه به سکوت و انفعال معلمان منجر شد و نه مانعی بر سر حضور گسترده معلمان شاغل و بازنشسته در تجمعات اعتراضی ایجاد کرد. معلمان با درایت و هوشیاری در تجمعات دهها هزار نفری فریاد آزادی رسول بدافی و دیگر معلمان دربند را سر دادند و در سراسر کشور برخورد امنیتی با مطالبه‌گری را محکوم کردند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت کشت و



در همبستگی با اعتصاب معلمان و محکومیت بازداشت فعالان برجسته صنفی

طبق خبرهای دریافتی رسول بدافی، بازرس کانون صنفی معلمان و عضو شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، امروز شنبه ۲۰ آذرماه توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود بازداشت شد. بر اساس این گزارش، بازداشت رسول بدافی با ضرب و شتم این فعال صنفی معلمان توسط ماموران همراه بوده و ماموران به او اجازه پوشیدن لباس مناسب نداده‌اند. ماموران در زمان بازداشت تمامی وسایل ارتباطی رسول بدافی و نیز تلفن همراه همسرش را ضبط کرده و با خود بردند بر اساس گزارش منتشره فعلا از نهاد بازداشت‌کننده، اتهامات احتمالی مطروحه، دلیل بازداشت و محل نگهداری این فعال صنفی معلمان اطلاعی در دسترس نیست. حزب کارایران (توفان) بازداشت این معلم شریف را قویاً محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط او است! در ادامه اعتراضات به بازداشت «رسول بدافی» و چند تن از رهبران صنفی معلمان چندین بیانیه از طرف تشکل‌های صنفی کارگری ایران، سوئد و فرانسه منتشر شده است. شایان ذکر است «رسول بدافی» در سی ام آذر ماه با قید وثیقه از زندان آزاد شده است. وی به دنبال ایستادگی و رشادت خود و حمایت معلمان و پیگیری کانون‌های صنفی و حمایت‌های جهانی اتحادیه‌های کارگری با قید وثیقه آزاد شد. بخشی از بیانیه‌های حمایت از مبارزه معلمان و برای آزادی معلمان زندانی از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

«شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت بازداشت آقای رسول بدافی بیانیه‌ای روز شنبه ۲۰ آذر انتشار داده و خواهان آزادی فوری ایشان و سایر معلمان دربند شده است. در این بیانیه چنین آمده است:

صنعت نیشکر هفت تپه در کنار معلمان که آینده سازان فرزندان شان هستند، بازداشت و پرونده سازی برای رسول بدافی را محکوم می کند و خواستار آزادی بی قید و شرط ایشان و اسماعیل عبدی و سایر معلمان زندانی و زندانیان سیاسی است”

چند اتحادیه کارگری سوئد از جمله پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد/ایران، سازمان مرکزی کارگران سوئد، ال او، سندیکای کارگران حمل و نقل سوئد، اتحادیه فلز سوئد، اتحادیه کمونال (شهرداریه)، اتحادیه راسری معلمان سوئد با انتشار بیانیه همبستگی خود را با معلمان ایران ابراز داشته و خواهان آزادی فوری رسول بدافی شدند. در این بیانیه چنین آمده است: به گزارش شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران آقای رسول بدافی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان اسلامشهر و نماینده این تشکل در شورای هماهنگی روز ۱۱ دسامبر توسط نیروهای امنیتی در منزل خویش و با توسل به هتک حرمت و اعمال خشونت دستگیر شده است..

ما که سالهاست مسائل و مبارزات معلمان ایران را بدقت دنبال می کنیم کاملاً مطلعیم که رسول بدافی معلم فداکار، شریف و مبارز که قبلاً نیز ۷ سال از عمر خویش را در زندان گذرانده است مرتکب هیچگونه جرمی نشده است. رسول بدافی سالهاست که زندگی خود را وقف فعالیت مستمر برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش، بهبود شرایط کار و معیشت معلمان و ایجاد امکانات آموزشی با کیفیت و رایگان برای کلیه دانش آموزان ایران کرده است. در حالی که در هر گوشه جهان این گونه فعالیت ها احترام و تقدیر هر انسان شریفی را برمی انگیزد جمهوری اسلامی ایران دقیقاً به دلیل این فعالیت ها ایشان را دستگیر کرده است.

جمهوری اسلامی بجای پاسخگویی به اعتراض مستمر و گسترده معلمان ایران که اتفاقاً در همان روز دستگیری آقای بدافی نیز در جریان بود ساده لوحانه فکر می کند که با دستگیری معلمان مبارزی مثل آقایان عبدی و بدافی این مبارزات و اعتراضات پایان خواهد یافت. غافل از آنکه خواسته های معلمان چنان فراگیر شده و مبارزه آنان چنان گسترش یافته است که دستگیری پیشگامان این مبارزه فقط موجب افزایش خشم معلمان و تعهد بیشتر به تداوم راهی است که آنان شروع کرده اند

از طرف پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد اعلام می کنیم که صبر و تحمل ما در برابر این برخوردهای ظالمانه و مکرر و تمام نشدنی، واکنشهای تاکتونی سهل انگارانه مقامات جمهوری اسلامی در مقابل اعتراض های وسیع تشکل های کارگری بین المللی به سبب چنین حقوق ابتدایی و آشکار شهروندان ایرانی به پایان رسیده است و ادامه زندانی بودن فعالین کارگری و مدنی در ایران، از جمله معلمان مبارز رسول بدافی و اسماعیل عبدی را تحمل نخواهیم کرد.. لازم به تاکید است که با فراخوان آموزش بین الملل و فراخوان به تشکل های عضو در سراسر جهان حرکتی گسترده برای آزادی بی قید و شرط و فوری اسماعیل عبدی در جریان است و با دستگیری رسول بدافی این کمپین عملاً شامل آقای رسول بدافی نیز میشود. ما با جدیت خواهان موارد زیر هستیم:

آزادی فوری همه فعالین کارگری زندانی

تصویب و اجرای مقاله نامه های حقوق بشر سازمان ملل، مقاله نامه ۲۳ و مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار سازمانهای کارگری سندیکایی و نمایندگان منتخب و اعضای آنها بدون ترس از خشونت، تهدید زندان و اخراج از کار اجازه فعالیت داشته باشند”

در ادامه همبستگی با معلمان ایران و در محکومیت بازداشت رسول بدافی سندیکای سولیدر فرانسه اطلاعیه ای روز دوشنبه ۱۵ دسامبر منتشر کرده است که در آن چنین آمده است:

وویک جنبش بی سابقه آموزگاران به مدت سه روز، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ دسامبر ۲۰۲۱ در ایران جریان یافت. این جنبش از نظر تعداد شرکت کنندگان، تعداد شهرهایی که در آنها تظاهرات شد و اینکه تظاهرات از روز شنبه که اولین روز هفته در ایران است آغاز شد، بی سابقه بود. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران از آموزگاران دعوت کرده بود که به مدت دو روز کلاس ها را تعطیل کنند و در داخل مدارس تحصن کرده و بالاخره روز ۱۳ دسامبر تجمع کنند. از این دعوت وسیعاً پیروی شد. روز اول، ۷۰ شهر و روز دوم ۱۲۰ شهر اعتصاب کردند. روز ۱۳ دسامبر، تجمع آموزگاران بسیار وسیع بود به نوعی که در شهرهایی نظیر شیراز و سنجند هزاران نفر در تظاهرات خیابانی شرکت داشتند. در تهران، آموزگاران مقابل مجلس تجمع کردند، جائی که نیروهای انتظامی کوشیدند به آنها یورش ببرند ولی حمله آنها به عقب رانده شد. ولی پلیس سیاسی موفق شد رسول بدافی، آموزگاری که به واسطه فعالیت های سندیکایش قبلاً به هفت سال زندان محکوم شده بود را دستگیر کند.

در میان خواست های آموزگاران، تقاضاهای افزایش مزد و پرداختی بازنشستگی قرار داشت. در حالی که یک دستمزد ماهیانه ۱۲ میلیون تومان (تقریباً ۳۷۵ یورو) معادل خط فقر است، مزد یک آموزگار با چندین سال سابقه کار ۷ میلیون تومان بیشتر نیست. آموزگاران تقاضاهای دیگر خود را رها نکردند و همچنان خواهان آموزش مجانی و افزودن سطح فرهنگ در آموزش هستند. آموزش از سال ها پیش هر روز بیشتر خصوصی و نا برابر می شود. علاوه آموزگاران خواهان آزادی همکاران زندانی خود هستند که در میانشان می توان اسامی اسماعیل عبدی، مهدی فتحی، محمد رضا رمضان زاده و رسول بدافی را ذکر کرد.

تقاضاهای دیگر مربوط به نا مشخص بودن وضع آموزگاران غیر رسمی و عدم امکان تدریس به دانش آموزان در زبان مادری خودشان است. در ایران آموزش فقط به زبان فارسی رسمیت دارد حال آن که زبان های مختلف ترکی، کردی، عربی و غیره نیز وجود دارند..

در این سه روز، آموزگاران به اعتراض پرداختند و همزمان، دولت لایحه بودجه سال آینده را به مجلس می برد. در این بودجه فقط ۱۳ درصد افزایش برای آموزش ملی در نظر گرفته شد حال آن که بودجه موسسات متعدد ایدئولوژیک رژیم ۱۸۰ درصد افزایش داشت..

یک موضوع قابل توجه در این سه روز تظاهرات، حضور دانش آموزان مدارس ابتدایی و دبیرستانی بود که برای حمایت از جنبش آموزگاران خود آمده بودند. در اصفهان، یکی از این دانش آموزان از ناحیه چشم شدیداً توسط نیروهای سرکوب که برای متفرق کردن تظاهر کنندگان در اعتراض به بحران آب آمده بودند، مجروح و مصدوم شد. تظاهرات آب بالاخره سرکوب و متفرق شد. آموزگاران سه روز تظاهرات وسیع برقرار کردند ولی این تظاهرات پایان نیافتند. در تجمع ۱۳ دسامبر این جمله به وضوح شنیده می شد که اگر به مشکلات ما توجه نشود، کلاس ها تشکیل نخواهند شد.”*

و تأمین حداقل معیشت مردم، کو؟ آن آزادی و آن تضمین حقوق همه مردم و زنان و دختران، کو؟ آن وعده رفع تحریم‌هایتان چه شد؟ آن عزتی که وعده می‌دادید، کجاست؟»

وی با بیان این که: پاسخی که حکومت ایران به اعتراضات مردم داده یا «شعارهای توخالی» و یا «سرکوب و بازداشت و باتوم و اشک‌آور و گلوله جنگی و ساچمه» بوده است. وی در این زمینه به اعتراضات آبان ۱۳۹۸ اشاره کرد، اعتراضاتی که جرقه آن با افزایش ناگهانی قیمت سوخت زده شد و به سرعت سراسر کشور را در بر گرفت. دبیر انجمن اسلامی دانشجویان اظهار داشت: «در شرایطی که جامعه‌ی مدنی با سرکوب شدید مواجه بوده و فعالین مدنی، سیاسی و اجتماعی به بهانه‌های متعدد در دالان‌های قوه‌ی قضائیه هستند، همان جایی که تا چند ماه پیش بر مصدر آن تکیه زده بودید، چگونه می‌توان انتظار داشت سخن مردم به گوش حاکمیت برسد، شما به ما بگویید در چنین شرایطی جز در افتادن در ورطه‌ی شوم خشونت چه راهی پیش پای مردم مانده است؟»

محمدحسین بیات افزود: «چطور انتظار داریم زمانی که تمام راه‌های تنفس را بر جامعه بسته‌ایم، پیام ملت را جز با مشت‌های گره کرده بشنویم؟ جناب آقای رئیسی حتماً از جوی خون راه افتاده در آبان ۹۸ مطلعید، همان‌گونه که از سرکوب مردم تشنه‌ی خوزستان و اصفهان مطلعید. شما به ما بگویید سرکوب شدید این اعتراضات جز به این معناست که حاکمیت نه تنها توانایی گفت‌وگو با مردم را از دست داده بلکه اساساً پذیرفته است که باید به ضرب گلوله خود را حفظ نماید؟»

محمدحسین بیات در پایان با اشاره به پرونده‌سازی‌های قوه قضائیه برای دانشجویان، اساتید دانشگاه و پژوهشگران در زمان ریاست ابراهیم رئیسی بر این نهاد، خطاب به وی گفت: «ما شما را نماینده‌ی حاکمیت می‌دانیم و لازم می‌دانیم که این هشدار را به شما بدهیم! اگر برای رهایی از وضعیت بحران زده‌ی کنونی، راه‌حلی عقلانی، مبتنی بر تجربه و کارآمد ارائه ندهید، از جانب مردم پاسخی دریافت خواهید کرد که شاید نه سریع و نه حتی فوری باشد اما حتماً انقلابی و قاطع است.»

این سخنان انهم از سوی دبیر انجمن اسلامی برای ابراهیم رئیسی غیر منتظره بود و وی را غافل گیر کرد. کسانی که به مبارزه طبقاتی باور دارند و همه تحولات اجتماعی را در کادر نزاع طبقاتی مورد ارزیابی قرار می‌دهند سخنان این دانشجو مسلمان غیرمنتظره نبود، بازتابی از جامعه‌ای است که در آن فقر و نکبت و ظلم طبقاتی بیداد می‌کند و وی محصول چنین اجتماع پرتنش است. سخنان و برآمد این دانشجو سوای هرنامی که بر خود نهاد، واقعی است و نه یک بازی سیاسی و صحنه‌سازی توطئه‌گرانه که اینروزها بشدت در ایران جریان دارد. ابراهیم رئیسی در این نشست انتظار چنین سخنرانی را نداشت و نه راه پیش داشت و نه راه پس، عبايش راجمع کرد و رفت.

در جامعه‌ای که از درون می‌جوشد و دو قطب فقر و ثروت در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند قشر دانشجو نیردر این نزاع بیطرف نیست و بخش بزرگی از پیشروان این قشر به صف فرودستان و عدالت‌ورزان اجتماعی می‌پیوندند و نقش متری در تحولات سیاسی کشور ایفا می‌کنند.*



دانشجویی که ابراهیم رئیسی را داغ کرد!

نخستین حضور ابراهیم رئیسی در مقام رئیس‌جمهور در دانشگاه صنعتی شریف به مناسبت ۱۶ آذر، «روز دانشجو»، با انتقادات شدید محمدحسین بیات، دبیر «انجمن اسلامی دانشجویان» دانشگاه صنعتی شریف، همراه بود که نسبت به وقوع یک «انقلاب» علیه حاکمیت هشدار داد. او خطاب به رئیسی گفت: «اگر برای رهایی از وضعیت بحران زده‌ی کنونی، راه‌حلی عقلانی، مبتنی بر تجربه و کارآمد ارائه ندهید، از جانب مردم پاسخی دریافت خواهید کرد که شاید نه سریع و نه حتی فوری باشد اما حتماً انقلابی و قاطع است.»

محمدحسین بیات در نطق مکتوب خود ابراهیم رئیسی را صریحاً متهم کرد که هر بخشی از دولت را «به نماینده یکی از باندهای فاسد و یا ناکارآمد قدرت و ثروت بذل و بخشش کرده» و در نهایت «امنیتی‌ترین کابینه جمهوری اسلامی را با انتصاب سرداران سپاه در تک‌تک مناصب دولتی تشکیل داده» است. احمد وحیدی، رستم قاسمی، حسین امیرعبداللہیان، محمدعلی زلفی‌گل، اسماعیل خطیب، محمدرضا قرایی آشتیانی، بهرام عین‌الهی و عزت‌الله ضرغامی هشت نظامی فعلی و سابق هستند که در کابینه ابراهیم رئیسی به عنوان وزیر حضور دارند. مسعود میرکازمی نیز نظامی سابق دیگری است که به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه انتخاب شده است.

محمدحسین بیات در ادامه سخنان خود گفت: «امروز دیگر از محسن رضایی گرفته تا قاضی زاده هاشمی و رستم قاسمی و سردار وحیدی، همگی سهم‌شان را از قدرت گرفته‌اند. امروز دیگر امنیتی‌ترین کابینه جمهوری اسلامی را با انتصاب سرداران سپاه در تک‌تک مناصب دولتی تشکیل داده‌اید. حالا سوال این جاست که در این حاکمیت سر تا پا یک‌دست، آن فسادستیزی‌ای که وعده می‌دادید کو؟ آن رفع فاصله طبقاتی و مبارزه با بی‌عدالتی‌ای که می‌گفتید، کو؟ آن رفاه



تصویر دلخراش و مضروب «گوهر عشقی»

مادر شهید بهشتی

گوهر عشقی کیست؟ خانم گوهر عشقی مادر ستار بهشتی، کارگر جوان و بلاگ نویس و از قربانیان شکنجه در بازداشت گاه‌های جمهوری اسلامی است. این مادر همواره مورد تضيیقات و مزاحمت مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در گذشته قرار گرفته و امروز هم قرار می‌گیرد. مادری که نان‌آور زندگی خویش را از دست داده است و نمی‌داند حتی با غم فردای خود چگونه سر کند.

هیچ کس در ایران - در این دستگاه «عدل علی» - در واقع در بیغوله‌های این رژیم، از دست ضرب و شتم رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در امان نیست. کرامت انسانی برای درخیمان این دستگاه حرف مفت است. قوه قضائیه که باید جنبه بی‌طرفی داشته و مورد اعتماد عموم باشد و در سراسر ایران داد بگستراند، حاضر نیست به شکایت این مادر داغ‌دیده رسیدگی کند تا شاید بتواند اعتماد عمومی را جلب کند. قوه قضائیه در ایران تنها برای ایجاد ترس است. دستگاه «دادگستری» آنها ناقوس تهدید، آلت ارعاب و هشدار به مردم است تا کسی پایش را بدون اجازه این حکومت ریاکار از حد «مجاز» بیرون نگذارد.

خانم گوهر عشقی ولی با استقامت در مقابل این تضيیقات ایستاده و مانع از آن شده است تا نام فرزند شهیدش را کسی به فراموشی بسپارد. وی این حد «مجاز» را به زیر پا گذارده است. یک پایش در خانه است و پای دیگری در کنار مزار فرزندش قرار دارد. روشن است که رژیم ریاکار و تبهکار جمهوری اسلامی از این بابت خرسند نبوده و مترصد باشد تا این مادر داغ‌دیده را از راه خود بزدايد. تنها فشار افکار عمومی مانع از آن است که سرنوشت این مادر نیز شبیه سرنوشت فرزندش شود.

این مادر شهید طبیعتاً به طور مرتب برای یادآوری خاطرات گذشته و تسکین آلام خویش بر سر مزار فرزندش می‌رود ولی این اقدام انسانی و مادرانه چون

خاری به چشم جمهوری اسلامی ایران است. آنها آرزو دارند که نام همه شهدا به فراموشی سپرده شود. گوهر عشقی این زن داغ‌دیده در ایران امنیت ندارد. جمهوری اسلامی حتی کاری کرده که کسی نمی‌تواند به «خدا» پناه برد زیرا بارگاه الهی نیز از دست درخیمان رژیم در امنیت نیست.

هم اکنون یک جنگ تبلیغاتی، روانی در فضای مجازی در گرفته است که طرفین نزاع متقابلاً اتهام دروغگوئی و ریاکاری را به یکدیگر می‌زنند. از طرفی رژیم جمهوری اسلامی مدعی است که جراحات موجود در چهره خانم گوهر عشقی حاصل سقوط ایشان بر روی مفتول‌های آهنی است و از روایتی که با استناد به مادر شهید بهشتی بیان می‌گردد حاکی است که دو نفر موتور سوار به ایشان حمله کرده و این مادر را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند. هر کدام از طرفین اسناد و مدارکی را نیز در تائید نظریه خویش منتشر کرده‌اند و اسناد و مدارک طرف مقابل را جعلی ارزیابی می‌کنند.

برای حزب ما یک امر روشن است رژیم جمهوری اسلامی ستار بهشتی را در زندان‌های خویش به قتل رسانده است و قتل در همه جوامع متمدن جرم عمومی است و باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. صدای مادر این شهید برای دادخواهی نه تنها به جانی نرسیده و نمی‌رسد بلکه تلاش می‌شود تا صدای وی را نیز خفه کنند. همین جنجال در فضای مجازی نشان می‌دهد که جان خانم گوهر عشقی در امان نیست، وی فاقد امنیت است و این بی‌حقی، بی‌عدالتی را نمی‌شود به پای تبلیغات اپوزیسیون برانداز جا زد. حتی آدم‌های بی‌آبرو و ناسالمی هم که برای سوءاستفاده تلاش در نزدیکی با خانم گوهر عشقی می‌کنند و به تحریک مشغولند، نمی‌توانند موجب انکار اصل واقعیات گردند که بر سر آن سرپوش گذارده شود. «آبادانی» گورستان‌ها از اندام فرزندان این ملت و روان کردن خون آنها در جویبارها از این واقعیت حکایت می‌کنند که بحث فقط بر سر ستار بهشتی نیست بر سر نظام سرکوب و بی‌عدالتی و فاسدی می‌باشد که هویت خونریزش قابل انکار نیست. آیا این حقایق، کشتار هزاران زندانیان سیاسی و داغ‌دیده کردن هزاران مادر این سرزمین نیز جعلی است؟

البته این فقط جمهوری اسلامی نیست که ساطور به دست به جان و مال و هستی مردم ایران افتاده است، بلکه اپوزیسیون در خارج از کشور نیز حضور دارد که از جانب رژیم‌هایی تغذیه و پروار می‌گردد که ماهیت کثیف و فوق ارتجاعی شان بر نیروهای انقلابی پنهان نیست. امپریالیسم آمریکا و اروپا، صهیونیسم اسرائیل و یا عربستان سعودی که دستگاه‌های تبلیغاتی «ایران اینترنشنال»، تلویزیون «من و تو» و نظایر آنها را بنا کرده‌اند، سر مخالفان سیاسی خود را زنده زنده با آره می‌برند. خون این اپوزیسیون خون محمد بن آره است. آنوقت این اپوزیسیون وطنفروش می‌خواهد از خون شهید بهشتی دامی برای اسارت ایران و قتل عام بعدی در ایران بسازد. دغدغه این اپوزیسیون وطنفروش حمایت از مادر یک شهید نیست حمایت از امپریالیسم و صهیونیسم است تا چهره این خون‌آشامان را که دنیا را به خون کشیده و میلیون‌ها مادر را داغدار کرده‌اند آرایش کنند. همدستی و همکاری با این اپوزیسیون وطنفروش و حقوق‌بگیر کوچکترین خدمتی به افشاء رژیم جمهوری اسلامی نبوده برعکس جنایات آنها را توجیه می‌کند و فرزندان مردم ایران را عمال امپریالیسم جا زده و معرفی می‌نماید.

نیروهای انقلابی و میهن‌پرست ایران باید مرز روشنی میان مخالفت خود با جمهوری اسلامی و مخالفت نوکران امپریالیسم و صهیونیسم با این رژیم بکشند. ماهیت این دو مبارزه کاملاً متفاوت است.

ما در گذشته گفته‌ایم و امروز نیز تکرار و تاکید می‌کنیم که رژیم جمهوری اسلامی با چنین شیوه‌های رذیله‌انه، با سرکوب و اختناق و ضرب و شتم خانواده‌های شهدا، داغدار و ستم‌دیده عملاً آنها را بسوی لاشخوران بین‌المللی و عوامل‌شان نظیر مسیح (قبل از مسیح شدن نامشان معصومه بود - توفان) علینژادهای قمی و غیر قمی و رسانه‌های امپریالیستی سوق می‌دهد و خوراکی تبلیغاتی برای تشدید تحریم‌های اقتصادی فراهم می‌سازد و جز این نیز نمی‌باشد. همه این مانورها از ما هشیاری می‌طلبد که باید آن را به مردم ایران منتقل کنیم.*

رویدادهای مبارزاتی کارگران و زحمتکشان در ماه آذر جلب می‌کنیم.

اخبار سرکوب و مقاومت

۱ آذر

عسل محمدی از زندان اوین بطور موقت آزاد شد. عسل محمدی به همراه هیراد پیربدایی فعال کارگری روز ۱۵ آبان ماه توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند.

۵ آذر

بیش از ۱۲۰ بازداشت شده اعتراضات زاینده رود به زندان دستگرد اصفهان فرستاده شدند.

۴ آذر

پرونده فرزانه زیلابی و کیل کارگران شرکت نیشکر هفت تپه که پیش از این از سوی دادگاه انقلاب اهواز به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده بود پس از اعتراض و کیلشان دکتر ناصر زرافشان، به شعبه شانزده دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان ارجاع شد. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار اطلاعیه ای هرگونه پرونده سازی برای فرزانه زیلابی و کیل کارگران نیشکر هفت تپه، شدیداً محکوم ساخت و خواستار خاتمه دادن فوری و بدون قید و شرط به اینگونه پرونده سازی ها شد.

۸ آذر

نصرت بهشتی معلم بازنشسته، به قید وثیقه ی یک میلیارد تومانی آزاد شد.

۱۰ آذر

ستار رضایی شاعر، کارگر گچ کار و فعال کارگری ساکن نجف آباد اصفهان با هجوم نیروهای امنیتی به خانه پدری اش بازداشت شد.

۱۲ آذر

کانون نویسندگان ایران به مناسبت روز مبارزه با سانسور «سیزدهم آذر» بیانیه ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... کانون نویسندگان ایران تاکید می کند که تا برچیده شدن کامل همه اشکال سانسور از پای نخواهد نشست، در این راه دست تمام نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران مستقل و آزادیخواه را در هر جای جهان که باشند به گرمی می فشارد و روز مبارزه با سانسور را گرامی می دارد.»

۱۴ آذر

لیلا حسین زاده، فعال صنفی دانشجویی دانشگاه تهران به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد!

دوازده تشکل مستقل بازنشستگان استان های مختلف با انتشار بیانیه ای خواستار آزادی اسماعیل گرامی شدند. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن حمایت از بیانیه چندین تشکل بازنشستگان در خصوص آزادی اسماعیل گرامی، خواستار آزادی بی قید و شرط این کارگر بازنشسته ۶۶ ساله زندانی شد.

۱۶ آذر



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری آذر ماه ۱۴۰۰

در آذرماه، ۶۸ سال پیش دانشجویان به هنگام ورود نماینده امپریالیسم آمریکا با اهدای جان شیرین خویش، پیمانی استوار و همبستگی با طبقه کارگر ایران بستند که تاکنون ادامه یافته و هم اکنون شعار «فرزند کارگرانیم / کنارشان می مانیم» و دفاع از مطالبات فرهنگیان و هم سنگر شدن با معلمان و استادان شان، نشان از استواری بر عهد انقلابی دانشجویان دارد.

فرهنگیان شاغل و بازنشسته با تلاش در تشکل یابی و پیش بردن مبارزات صنفی مسالمت آمیز و قانونی توانسته اند تلاش بی وقفه حق طلبی خود را در فضایی که حکومت برای سلب حقوق تمامی زحمتکشان دارد، به حکومتیان تحمیل نمایند و مجلس را وادار به تصویب «نیم بند و سرهمبندی» قانونی کنند که سالها از تصویب و اجرای آن سرباز می زنند. گرچه هنوز مبارزه به پایان نرسیده و فرهنگیان به مطالبات برحق خود نرسیده اند، ولی تداوم مبارزه فرهنگیان و توان برگزاری تحصن ها، تجمعات و اعتراضات سراسری و ادامه دار، بر نظرات فعالان کارگری را که معتقد به ایجاد تشکلات صنفی و سیاسی هستند، مهر صحت زد و در مقابل، نظرات مضر و زیان آور در جنبش زحمتکشان را، که بر بی تشکلی اصرار می ورزند، بی ارزش ساخت. بسیج فرهنگیان شاغل و بازنشسته توسط «شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران» راهی را پیش پای آنان که هنوز به قدرت تشکل و ادامه کاری شک و تردید دارند و آلوده به نظرات «ضد کارگری» هستند، قرار داد تا با یاری نمایندگان محق کارگران و زحمتکشان به ایجاد تشکل سراسری برای اصناف مختلف و تشکل واحد برای تمامی اصناف مبادرت ورزند و از پیش کشیدن شعارهای زودرس با ظاهر چپ» نیز اجتناب ورزند. در زیر توجه خوانندگان گرامی را به بخشی از

لیلا حسین زاده فعال دانشجویی، در روز دانشجو در شیراز توسط پانزده مامور مسلح بازداشت شد.

۱۷ آذر

کانون نویسندگان ایران در بیست و سومین سالگرد قتل‌های سیاسی پاییز ۱۳۷۷ با انتشار بیانیه‌ای یاد محمد مختاری و محمد جعفر پوینده را گرامی داشت.

بکتابش آبتین، پانزدهم آذر به علت تب و فشار خون بالا، شبانه از زندان به بیمارستان منتقل شد. کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای خواستار آزادی بی‌قید و شرط بکتابش آبتین، دیگر اعضای زندانی کانون، رضا خندان (مه‌بادی)، کیوان باژن و آرش گنجی و سایر زندانیان سیاسی و عقیدتی شد.

هیراد پیربدایی که در روز ۱۵ آبان در منزلش بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده است. «سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه» و «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» با انتشار اعلامیه‌های جداگانه‌ای ادامه بازداشت و فشار بر هیراد پیربدایی را شدیداً محکوم ساختند و خواهان آزادی بی‌قید و شرط ایشان، تمامی فعالین کارگری، معلمان و حامیان حقوق کارگر و محتومه شدن بی‌قید و شرط پرونده‌هایشان شدند.

۱۹ آذر

انجمن قلم (پن) آمریکا پس از انتشار خبر ابتلای بکتابش آبتین، شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران به کرونا با انتشار بیانیه‌ای خواستار آزادی نویسندگان در بند ایرانی از جمله اعضای کانون نویسندگان ایران شد.

شماری از اعضای کانون نویسندگان ایران به همراه تعدادی از فعالین مدنی و سیاسی به مناسبت بیست و سومین سالگرد قتل‌های زنجیره‌ای، بر مزار محمد مختاری و محمدجعفر پوینده واقع در آرامستان «امامزاده طاهر» کرج حاضر شدند.

۲۰ آذر

آقای رسول بدایی عضو توسط پلیس امنیت به صورت خشونت‌آمیز و همراه با هتک حرمت بازداشت شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای بازداشت آقای رسول بدایی محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم نمودن بازداشت این فعال صنفی وارسته تأکید می‌کند اگر چه آقای بدایی از افراد موثر جنبش معلمان است اما امروز هر معلم یک لیدر و سازمان‌دهنده موثر در جنبش است و با بازداشت‌ها و برخوردهای غیرقانونی نمی‌توان بر روند مطالبه‌گری تأثیر منفی گذاشت. ...» سندیکاهای کارگری سوئد در اعتراض به دستگیری رسول بدایی اطلاعیه‌ای منتشر ساختند و خواهان آزاد شدن فعالین کارگری و مدنی در ایران، از جمله معلمان مبارز رسول بدایی و اسماعیل عبدی شدند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با انتشار بیانیه‌ای خواهان آزادی لیلا حسین زاده شد. در این بیانیه آمده است: «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با

توجه به شدت بیماری لیلا حسین‌زاده عمیقاً نگران سلامت ایشان می‌باشد. فعالیت‌های ایشان در دفاع از طبقه کارگر بوده و باید بدون قید و شرط، بلافاصله آزاد و حکم ظالمانه‌ی زندان برای وی لغو گردد. کارگران و معلمان و حامیان حقوق کارگر زندانی باید بدون قید و شرط آزاد و احکام قضایی علیه آنان لغو گردد.» آمانج امینی معلم و فعال صنفی به وسیله اداره اطلاعات سقز احضار و بعد از ضرب و شتم و هتاک‌ی بازداشت شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با صدور بیانیه‌ای ضمن حمایت از خواسته‌های برحق فرهنگیان، بازداشت و ضرب و شتم این معلم و فعال صنفی را محکوم کرد. در این بیانیه آمده است: «... اقدامات اخیر اعم از بازداشت، بی‌احترامی و نادیده گرفتن خواسته‌های قانونی و برحق معلمان نشان از برداشته شدن صورتک نفاق و تمامیت خواهی طیفی در کشور می‌دهد که با استفاده از عوامل معلوم الحال بی‌مایه و مقدار در صدد بی‌حرمتی و محدود کردن هر چه بیشتر حقوق ایرانیان به ویژه فرهنگیان هستند. ...»

۲۳ آذر

کانون صنفی فرهنگیان گیلان، انجمن صنفی معلمان فارس، کانون صنفی معلمان ایران، انجمن صنفی معلمان کردستان (سقز و زیویه)، کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با انتشار بیانیه‌های جداگانه‌ای بازداشت رسول‌بدایی را محکوم ساختند و خواستار آزادی بی‌قید و شرط ایشان و اسماعیل عبدی و سایر معلمان زندانی و زندانیان سیاسی شدند.»

۲۵ آذر

آقای محمود ملاکی، عضو هیئت مدیره کانون صنفی فرهنگیان بوشهر را به خاطر فعالیت‌های صنفی به دو سال ممنوعیت از تحصیل و بیست میلیون تومان جریمه نقدی محکوم نمود. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران خواهان لغو احکام ظالمانه از جمله حکم آقای ملاکی شد.

اصغر امیرزادگان، معلم و فعال صنفی به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران حکم علیه این فعال صنفی را محکوم نمود و خواهان پایان دادن به پرونده‌سازی علیه تمام فعالان صنفی از جمله آقای اصغر امیرزادگان شد.

۲۸ آذر

طبق اطلاع وکیل لیلا حسین‌زاده، وی پس از ۱۱ روز، با خانواده تماس گرفت و خبر از ضرب و شتم شدید خود، چه در بازداشتگاه شیراز و چه در تهران داد. اجازه‌ی دسترسی به داروهای حیاتی‌ش نیز از او سلب شده است. شوراهای صنفی دانشجویان کشور ضمن تأکید دوباره بر غیرقابل پذیرش دانستن بازداشت لیلا حسین‌زاده و محکوم کردن آن، قویاً اعلام کرد که عوارض ناشی از عدم مصرف داروهای ضروری‌اش مستقیماً بر عهده‌ی نهادهای امنیتی، وزارت علوم و

هیئت رئیسه‌ی دانشگاه تهران می باشد.

۲۹ آذر

جمعی از فعالان صنفی با حضور در منزل آقای رسول بدافی ضمن اعلام همبستگی با خانواده وی، خواستار آزادی تمام معلمان زندانی به ویژه آزادی بدون قید و شرط رسول بدافی شدند.

۳۰ آذر

رسول بدافی که روز شنبه، ۲۰ آذر با حمله نیروهای امنیتی و با خشونت بازداشت شده بود، به دنبال ایستادگی و رشادت خود و حمایت معلمان و پیگیری کانون‌های صنفی با قید وثیقه آزاد شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای خواهان آزادی بی قید و شرط وی و تمام معلمان زندانی شد و اعلام داشت که قدرتمندانه تا تحقق مطالبات به تعهد خود با معلمان پایبند است.

رضا خندان (مهابادی) از زندان به بیمارستان طالقانی منتقل شد. کانون نویسندگان ایران خواستار آزادی بی قید و شرط رضا خندان (مهابادی)، بکنش آبتین، دیگر اعضای زندانی کانون، کیوان باژن و آرش گنجی و سایر زندانیان سیاسی و عقیدتی شد. کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه‌ای اعلام داشت که: مسئولیت هر گزندی به سلامتی و جان اعضای خود را متوجه حکومت و به ویژه قوه‌ی قضاییه‌ی آن می‌داند.

فرهنگیان

۲۹ آذر

در اعتراض به اظهارات قالیباف که گفته است دولت تنها ۱۲.۵ هزار میلیارد تومان بودجه برای رتبه‌بندی اختصاص خواهد داد و در اعتراض به اجرا نشدن رتبه‌بندی و همسان سازی و پیمان شدن حقوق فرهنگیان، در برخی استان‌ها از جمله: قم، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، فارس و ... معلمان دست به تحصن زدند و از رفتن به کلاس‌ها خودداری نمودند. معلمان در شهر شیراز در بیش از ۲۴۰ مدرسه تحصن نمودند.

۱۱ آذر

تجمع سراسری فرهنگیان شاغل و بازنشسته به دعوت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، در سراسر کشور در بیش از ۹۰ شهر از استان‌های لرستان، کردستان، البرز، تهران، خوزستان، یزد، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی، گیلان، فارس، سمنان، قزوین، اصفهان، سیستان و بلوچستان، مازندران، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، ایلام، چهارمحال و بختیاری، مرکزی، زنجان، همدان، گرگان، خراسان رضوی و کرمان برگزار شد. در استان فارس حدود ۱۵ هزار معلم دست به تجمع زدند و در برخی استان‌ها مانند خوزستان، لرستان، کردستان و ... هزاران معلم از فراخوان تجمع شورای هماهنگی استقبال کردند. تجمع فرهنگیان در حالی برگزار شد که حراست‌ها و نهادهای امنیتی اقدام به تهدید و احضار فعالان صنفی در سراسر کشور نمودند تا بر

تجمع تاثیر بگذارند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به مناسبت تجمع سراسری فرهنگیان قطعنامه‌ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از اعتراضات صنفی بدنه‌ی معلمان، به دولت و مجلس هشدار می‌دهد، تا زمانی که قانون مدیریت خدمات کشوری، بویژه نظام همسان سازی حقوق بازنشستگان و طرح رتبه‌بندی شاغلین، همانطور که در متن قانون آمده است، به اجرا در نیاید، در روزهای آینده همچنان اعتراضات را به اشکال گوناگون از جمله تحصن، تجمع، راهپیمایی، تعطیلی کلاس‌ها و سایر اشکال قانونی اعتراض، در سراسر کشور تا رسیدن به خواسته‌های قانونی، در فراخوانهای پی در پی ادامه خواهد داد. یادآوری می‌شود عواقب هرگونه پیشامد، بر عهده‌ی کسانی خواهد بود که فرهنگ و فرهنگیان را در طول دهه‌های گذشته به بازی گرفته‌اند.»

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار بیانیه‌های جداگانه‌ای حمایت خود را از اعتراضات و مطالبات معلمان شاغل و فرهنگیان بازنشسته اعلام داشتند و خواستار آزادی تمامی معلمان و بازنشسته‌های زندانی شدند.

۱۳ آذر

جمعی از فرهنگیان بازنشسته‌ی سال ۹۹ در اعتراض به عدم پرداخت پاداش بازنشستگی‌شان مقابل سازمان برنامه و بودجه دست به تجمع زدند.

۱۴ آذر

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در محکومیت فشارهای امنیتی و صدور احکام قضایی برای لطیف روزیخواه و ابوالفضل رحیمی‌شاد از معلمان و فعالان صنفی و رسانه‌ای بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... از آن‌جا که به نظر می‌رسد در شرایط عادی در میان تصمیم‌گیران حاکمیتی و دولتی در ایران تمایلی برای شنیدن صدای منتقدین وجود ندارد، ما از همکارانمان می‌خواهیم با تداوم اعتراضات خود به صورت مسالمت‌آمیز و مدنی، نادرستی رویه حاکم شده برای خاموش نمودن هرگونه انتقاد و اعتراض را به آن‌ها که جز فشارهای امنیتی و قضایی راه دیگری نمی‌شناسند، یادآور شوند.»

۱۵ آذر

سازمان جهانی معلمان خواستار آزادی اسماعیل عبدی شد. در بیانیه‌ای بدین مناسبت آمده است: «آموزش بین‌الملل به‌عنوان یک سازمان متعهد به اتحادیه‌های کارگری و حقوق بشر، خواستار آزادی اسماعیل عبدی و دیگر رهبران اتحادیه‌های کارگری دستگیر شده در ایران است. یک نگرانی خاص و فوری برای سلامتی عبدی وجود دارد که پس از مدت‌ها حبس در شرایط وخیم به شدت تحت تاثیر قرار گرفته است.»

۱۸ آذر

فرهنگیان قم نسبت به عدم اجرای طرح رتبه‌بندی و عدم

اجرای طرح همسان سازی، مقابل اداره کل آموزش و پرورش قم تجمع اعتراضی برگزار کردند. معلمان خرید خدمتی اصفهان در اعتراض به فقدان امنیت شغلی و نداشتن بیمه، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۰ آذر

اعتصاب سراسری معلمان ایران با فراخوان شورای هماهنگی در سراسر کشور در بیش از ۲۰۰ شهر و منطقه برگزار شد. در بسیاری از شهرها، معلمان با تعطیلی گسترده کلاس‌ها به صورت حضوری و مجازی از تدریس امتناع کردند. معلمان قم به صورت بست نشینی جمعی به تحصن سراسری معلمان پیوستند.

۲۱ آذر

اعتصاب سراسری معلمان ایران با فراخوان شورای هماهنگی برای دومین روز در سراسر کشور در بیش از ۲۰۰ شهر و منطقه ادامه یافت. معلمان قم در دومین روز اعتصاب سراسری نیز به صورت بست نشینی جمعی در تحصن سراسری معلمان شرکت کردند.

۲۲ آذر

ده‌ها هزار فرهنگی شاغل و بازنشسته در سراسر ایران به فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران پاسخ مثبت دادند و به صورت همزمان راس ساعت ۱۰ در مکان‌های از پیش تعیین شده تجمع نمودند. معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته تهران و البرز، در مقابل ساختمان مجلس، و در شهرهای دیگر مقابل آموزش و پرورش، دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع پرشکوه فرهنگیان در شهر یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد به تظاهرات چشمگیری در خیابان انجامید و تجمع فرهنگیان اصفهان توسط صدا و سیما استانی پوشش یافت. در شیراز باشکوه‌ترین تجمع ده هزار نفره فرهنگیان شاغل و بازنشسته رقم خورد. ماموران امنیتی در تهران و مازندران به تجمع کنندگان یورش بردند.

در قطعنامه پایانی تحصن و تجمع سراسری فرهنگیان و بازنشستگان ایران آمده است: «... شورای هماهنگی بار دیگر ضمن محکوم نمودن بازداشت، پرونده‌سازی و اخراج و احضار تمام فعالان صنفی خواهان آزادی همه معلمان زندانی و پایان دادن به خط برخورد با فعالان صنفی و مختوم شدن تمام پرونده‌هاست و از تمام فرهنگیان می‌خواهد آزادی فعالیت صنفی و معلمان دربند را به یک مطالبه جدی و عمومی تبدیل نمایند. در پایان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اعلام می‌کند بودجه ۱۴۰۱ و عملکرد دولت و مجلس تاکنون مورد رضایت فرهنگیان نیست و اگر خروجی جلسه فردا حداقل حقوق معلمان را بر مبنای حداقل هشتاد درصد حقوق اعضای هیئت علمی دانشگاه تا خط فقر یعنی ۱۲ میلیون افزایش ندهد و بودجه همسان‌سازی واقعی برای اجرا از مهر ۱۴۰۰ تامین نگردد این اعتراضات در ابعاد گسترده‌تر ادامه خواهد یافت. ...»

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن به رسمیت شناختن اعتراض و اعتصاب برای معلمان و کارگران، خواستار آزادی تمامی معلمان و کارگران و زندانیان سیاسی دربند شد. در اطلاعیه ای از طرف سندیکای شرکت واحد بدین مناسبت آمده است: «... معلمان در تجمعات اعتراضی شعار معلم زندانی آزاد باید گردد سر دادند و خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند در این تجمعات معلمان نارضایتی عمیق خودشان را از سیستم اداره کشور ابراز کردند. ...»

۲۳ آذر

کانون نویسندگان ایران با انتشار بیانیه ای حمله‌ی نیروهای امنیتی و انتظامی به تجمع معلمان در مقابل «مجلس شورای اسلامی» را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... کانون نویسندگان ایران ضمن دفاع از حق اعتراض، آزادی بیان و مطالبات صنفی معلمان، حمله‌ی نیروهای امنیتی و انتظامی به تجمع آن‌ها را محکوم می‌کند و خواستار آزادی معلم‌های زندانی و سایر زندانیان سیاسی، عقیدتی و کنشگران صنفی و مدنی است.»

۲۴ آذر

معلمان خرید خدمت مقابل آموزش و پرورش تهران در اعتراض به کسری بیمه به ۱۵ روز در ماه و حقوق زیر ۲ میلیون تومان، دست به تجمع اعتراضی زدند. از دیگر مطالبات معلمان خرید خدمت قرارداد استخدام دائم می باشد.

۲۵ آذر

معلمان همدان در اعتراض به تصویب ریاکارانه و سرهم بندی طرح رتبه بندی توسط مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۶ آذر

آموزگاران "خرید خدمتی" در یزد مقابل استانداری، در اعتراض به ناپایداری وضعیت شغلی و دریافتی ناچیز دست به تجمع زدند.

۲۷ آذر

آموزگاران "خرید خدمتی" در برابر اداره ی کل آموزش و پرورش اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۸ آذر

شورای هماهنگی در اعتراض به مصوبه ناقص رتبه‌بندی مجلس و مخالفت دولت با اجرای رتبه‌بندی بیانیه ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... بی تردید تصویب نیم بند رتبه‌بندی توسط نمایندگان مجلس حاصل اعلام نارضایتی‌ها و اعتراضات ما معلمان در کنش های صنفی تجمعات و تحصن ها بوده و ادمین‌های استانی، فعالان صنفی و کانون‌ها و انجمن‌های صنفی فرهنگیان و تمام معلمان مطالبه‌گر همچنان تا تحقق مطالبات خود دست از اعتراض نمی‌کشند. ... شورای هماهنگی مراتب اعتراض خود را نسبت به مجلس و دولت اعلام می‌دارد و اعلام می‌کند این مصوبه‌ی تحمیلی مورد قبول ما معلمان نیست و به دولت و مجلس هشدار می‌دهد در مقابل اراده و حقوق معلمان نایستند. بی‌شک این بی‌اعتنایی در آتیه تبعات جبران

تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود شدند. «این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی!»

۱۵ آذر

جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی در مقابل اداره کل سازمان تامین اجتماعی استان خوزستان در اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار اجرای قانون همسان سازی حقوق و رسیدگی به سایر مطالبات خود شدند.

۲۱ آذر

بازنشستگان فولاد اصفهان در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در اصفهان دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای رشت، اهواز، اصفهان، کرمانشاه در مقابل سازمان تامین اجتماعی شهرشان و در تهران در مقابل کانون بازنشستگان تجمع اعتراضی برگزار کردند. هرچند از هفته‌های گذشته پلیس سیاسی به فعالان هشدار داده بود که تجمع را لغو کنند و حتی در تهران نیروی انتظامی به مقابل کانون بازنشستگان گسیل شده بود اما تجمع‌های مطالبه‌گرانه بازنشستگان صورت گرفت.

۲۳ آذر

کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات ۱۵ ساله خود بر طبق آیین نامه مصوب هیئت مدیره شرکت، با احتساب خسارت تاخیر و تادیه، مقابل استانداری فارس تجمع کردند. «بازنشسته داد بزن / حق تو فریاد بزن!»

۲۵ آذر

ده تشکل مستقل کارگران، معلمان و بازنشستگان بیانیه مشترکی پیرامون لایحه ی ظالمانه بودجه ۱۴۰۱ منتشر کردند. در این بیانیه آمده است: «... چون روز روشن ست که چنین تصمیمات ویرانگری مبتنی بر سیاست‌های نئولیبرالیستی در ارزان سازی بیشتر نیروی کار و دمیدن خون بیشتری از طبقه کارگر و سایر توده‌های زحمتکش در شریان‌های صاحبان سرمایه است. ... با محکوم کردن شدید چنین یورش‌هایی به معیشت و رفاه شاغلین فعلی و بازنشستگان آینده، در صورت تصویب آن بهیچوجه ساکت نخواهیم نشست.»

۲۸ آذر

بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای بجنورد، تبریز، اراک، خرم‌آباد و کرمانشاه در اعتراض به برآورده نشدن مطالباتشان تجمع کردند. در اصفهان و کرمانشاه در برابر اداره ی کل تامین اجتماعی به شکل نمادین با پهن کردن سفره ی خالی، اعتراض خود را به پایمال شدن حقوق بازنشستگان به نمایش گذاشتند. بازنشستگان فولاد برای پیگیری مطالبات خود در برابر صندوق بازنشستگی فولاد خوزستان و اصفهان تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات معیشتی و حقوقی خودشان شدند.

کارگران نفت، پتروشیمی و نیروگاه‌ها

۲ آذر

جمعی از کارگران شرکت حفاری گلوبال پتروتک کیش در

ناپذیری برای قانون شکنان خواهد داشت. ...»

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به: ۱- مصوبه ناقص رتبه‌بندی و عدم اجرای آن توسط دولت. ۲- بی‌توجهی به لایحه همسان‌سازی بازنشستگان. ۳- درخواست آزادی معلمان دربند به ویژه آقای رسول بداتی برای تجمع در تاریخ «پنجشنبه، دوم دی ماه، ساعت ۱۰» فراخوان داد.

۳۰ آذر

سازمان جهانی معلمان حمایت خود را از مبارزات و مطالبات فرهنگیان اعلام داشت. در بیانیه ای که بدین مناسبت منتشر ساخت، آمده است: «... آموزش بین‌الملل و سازمان‌های عضو آن از دولت ایران می‌خواهند تا به فرهنگیان اجازه دهد که بدون ترس از خشونت یا دستگیری‌های خودسرانه، از حق خود برای درخواست حقوق عادلانه و آزادی همکاران زندانی استفاده کنند. این فراخوان به دنبال دستگیری یکی از رهبران شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و تداوم بازداشت سایرین، صورت می‌گیرد»

بازنشستگان

۷ آذر

گروهی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان و خوزستان مقابل ساختمان این صندوق در شهرهای اصفهان و اهواز تجمع کردند و خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود شدند.

۸ آذر

شماری از بازنشستگان شرکت هواپیمایی هما، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات مزدی خود و همچنین انتقال صندوق بازنشستگان هما به صندوق بازنشستگی کشور، در مقابل صندوق بازنشستگی این شرکت هواپیمایی واقع در تهران، دست به تجمع زدند.

۱۰ آذر

بازنشستگان سال ۹۹ نیشکر هفت تپه در اعتراض به محاسبه و پرداخت سنوات شغلی و مرخصی ذخیره خود مقابل درب شرکت تجمع نمودند و قصد ورود به شرکت را داشتند که به دستور مدیر جدید حراست درب‌های شرکت را به روی آنها بستند. جلسه ای نیز بین مدیر حراست و نمایندگان آنها برگزار شد که بدلیل مخالفت مدیر حراست با ورود تجمع کنندگان به تنش و قهر نماینده آنها از جلسه کشیده شد و این اقدام مدیر جدید حراست را توهین به کسوت این افراد دانستند. در نهایت مدیران حسابداری و امور اداری شرکت پذیرفتند که تمام مزایای این بازنشستگان طبق رای دیوان، مورد محاسبه قرار گرفته و پرداخت شود.

۱۴ آذر

جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی فولاد تهران، اصفهان و خوزستان مقابل ساختمان این صندوق در شهرهای تهران، اصفهان و اهواز تجمع کردند و خواستار

تجمع کردند. خواست اصلی این کارگران افزایش فوری دستمزدهاست.

۱۶ آذر

رانندگان جرثقیل های شاغل در پتروشیمی دماوند عسلویه در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان تجمع کردند. این رانندگان بصورت پیمانی کار میکنند و قطع دست پیمانکاران از خواسته های آنان می باشد.

۲۲ آذر

جمعی از کارگران شرکت پتروشیمی «رجال» با تجمع مقابل فرمانداری شهرستان ماهشهر اعتراض خود را به خلف وعده ها اعلام داشتند. کارگران پتروشیمی «رجال» خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت مزایا و بیمه تکمیلی شدند.

۲۳ آذر

کارکنان پتروشیمی تخت جمشید واقع در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام، در اعتراض به مشکلات معیشتی و کم توجهی مدیران این مجتمع نسبت به دغدغه آنها، با تجمع مقابل این شرکت چهارمین روز تجمع اعتراضی خود را نسبت به مشکلات معیشتی برگزار کردند.

۲۴ آذر

کارگران در شرکت «آی جی سی» واقع در عسلویه، در اعتراض به عدم اجرای وعده کارفرما در افزایش دستمزدها و تغییر در نوبت کاری به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت در محوطه کارگاه دست به اعتصاب زدند.

۲۷ آذر

کارگران شرکت پتروشیمی فارابی، از شرکت های تابعه شستا در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام خمینی، برای چندمین روز در ماه جاری در اعتراض به عدم اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل مقابل ساختمان مرکزی شرکت دست به تجمع زدند. فوق العاده کارگاهی، افزایش مبلغ ساعت اضافه کار و حق شیفت و تعطیل کاری از دیگر خواسته های آنها است.

۲۹ آذر

رانندگان شرکت نفت و گاز پارس جنوبی در عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبه معوقه خود دست به اعتصاب زدند. شماری از نیروهای آموزشی شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران در اعتراض به عدم استخدام و بلا تکلیفی هشت ساله در مقابل ساختمان این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

هفت تپه

۶ آذر

شماری از کارگران فصلی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، ابتدا در مقابل ساختمان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان شوش و سپس مقابل فرمانداری این شهرستان، دست به تجمع زدند و

اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق و بیمه مقابل اداره کار اهواز تجمع کردند.

۶ آذر

جمعی از کارکنان رسمی پتروشیمی فجر، در اعتراض به ساعات و شیفت های کاری خود در مقابل در ورودی این شرکت، تجمع کردند.

۷ آذر

جوانان «بندرماهشهر» در اعتراض به استخدام افراد غیر بومی مقابل مخازن پالایشگاه بیدبلند در بندر ماهشهر تجمع کردند. این تجمعات جوانان بیکار در دیگر مناطق خوزستان مکررا انجام شده و حتی در چند سال گذشته در منطقه «شهرویی» با سرکوب و کشته شدن چند نفر به جان آمده از بیکاری همراه بوده است.

کارگران پتروشیمی ایلام، انتخابات فرمایشی شورای اسلامی کار را تحریم کردند. و از شرکت در انتخابات امتناع کردند. به دلیل عدم استقبال کارگران از انتخابات شورای اسلامی کار در پتروشیمی، شورا حد نصاب لازم را کسب نکرد و از ۳۹۰ نفر فقط ۱۱۳ نفر شرکت کردند. در سال جاری این دومین بار است که انتخابات برگزار می شود اما به حد نصاب لازم نمی رسد.

۸ آذر

نزدیک به ۴۰۰ نفر از کارگران پتروشیمی آپادانا به پیمانکاری شریفی و باقرپور برای اجرایی شدن مقررات کمپین ۱۰/۲۰ دست به اعتصاب زده و به خوابگاهها رفتند. کارگران اعلام کردند بدقولی مدیران و پیمانکاران این پتروشیمی در اجرای درست کمپین ۱۰/۲۰ را دیگر تحمل نکرده و تا برقراری مقررات کمپین به سرکار برنخواهند گشت.

۹ آذر

کارگران پتروشیمی عسلویه در اعتراض به خلف وعده کارفرما و عدم پرداخت حقوق ها دست به اعتصاب زدند.

۱۰ آذر

کارکنان پتروشیمی مبین پارس جنوبی در ادامه تجمعات اعتراضی، علاوه بر مطالبات شغلی و معیشتی، خواهان برکناری مدیران ناکارآمد این شرکت شدند و برای چندمین روز متوالی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود، در محوطه این شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند.

۱۲ آذر

کارگران پتروشیمی مکران در چابهار، در اعتراض به عدم دریافت معوقات مزدی خود دست به اعتصاب زدند و در محوطه ی شرکت تجمع کردند.

۱۵ آذر

کارگران پتروشیمی فارابی وابسته به تاپیکو (شرکت سرمایه گذاری نفت، گاز و پتروشیمی تامین) در اعتراض به عدم اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل و کاهش سطح دستمزدهایشان مقابل ساختمان حراست این شرکت

خواستار رسیدگی به وضعیت استخدامی و شغلی خود شدند.
۱۱ آذر

پنج تشکل مستقل کارگران و بازنشستگان «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و اتحاد بازنشستگان» با انتشار بیانیه مشترکی تلاش برای حذف حداقل دستمزد را محکوم ساختند. در این بیانیه آمده است: «... کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری باید از حق تشکیل نهادهای مستقل کارگری متشکل از نمایندگان منتخب و مستقل خود برای تعیین دستمزد و تصویب قانون کار و مشارکت در سرنوشت خود برخوردار باشند و هرگونه تصمیمی در امور کارگری باید با مشارکت و قراردادهای جمعی کارگران تصویب شود. ...»

۱۳ آذر

کارگران فصلی شرکت نیشکر هفت تپه با خواست تغییر وضعیت استخدامی و بدست آوردن امنیت شغلی، در مقابل فرمانداری شوش دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۴ آذر

کارگران فصلی شرکت نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری، اداره کار و دفتر کعب عمیر در شهر شوش تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۷ آذر

نیروی انتظامی به تجمع مسالمت آمیز چند تن از کارگران با خواسته استخدام، در مقابل وردی شرکت هفت تپه حمله کرده و ضمن ضرب و شتم شدید آنها و برخورد بسیار وحشیانه از اسیری فلفل علیه کارگران استفاده کرد که منجر به درد و ناینمایی موقتی برای کارگران شد. جمعی از کارگران هفت تپه با انتشار اطلاعیه‌ای برخورد خشونت آمیز و وحشیانه نیروی انتظامی با کارگران را محکوم ساختند و خواهان برخورد با آمران و عاملان این اقدام ضد کارگری، ضد انسانی و جنایتکارانه شدند.

شرکت واحد

۱۶ آذر

تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد جهت پیگیری طومار اعتراضی کارگران در خصوص مطالبات معوق کارگران شرکت واحد به اداره مرکزی مراجعه کردند. در بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد در این رابطه آمده است: «... سندیکا به دقت همبستگی کارگران و آمادگی‌شان برای مشارکت در اعتراضات را به صورتی میدانی و همچنین در گروه‌های همکاران در تلگرام و ... را پایش می‌کند و متناسب با آن برنامه‌های اعتراضی کارگران برای رسیدن به حقوق‌شان را تدارک می‌بیند.»

۱۷ آذر

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به مناسبت

شانزدهم آذر روز دانشجو، اعلامیه‌ای منتشر ساخت که در آن آورده است: «... سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، شانزدهم آذر روز دانشجو را به همه دانشجویان عزیز تبریک می‌گوید، ادامه بازداشت، سرکوب و برخورد امنیتی با فعالین دانشجویی را محکوم می‌کند و همواره خود را در کنار دانشجویان و متحد آنان در جنبش مطالباتی، برای یک آینده روشن و امیدبخش می‌داند.»

۲۸ آذر

رانندگان و کارگران شرکت واحد با فراخوان قبلی از طرف سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در اعتراض به عدم اجرای بازنگاری طرح طبقه‌بندی مشاغل و دیگر مطالبات معوق کارگران در مقابل شهرداری و شورای شهر تهران تجمع و راهپیمایی کردند. در این تجمع بیش از ۲۰۰ تن از رانندگان و کارگران شرکت واحد شرکت کردند. کارگران اعلام داشتند چنانچه خواسته‌های‌شان محقق نشود اعتصاب خواهند کرد.

کارگران دیگر

۴ آذر

کارگران ایران خودرو تبریز برای دومین روز متوالی در اعتراض به محقق نشدن مطالباتشان به اعتصاب و تحصن خود ادامه دادند. آنها شب را نیز در محوطه کارخانه در تحصن به سر بردند. کارگران ۳ شیفت کاری در کارخانه حضور داشتند، اما در اعتراض به وضعیت موجود از حضور در خط تولید، خودداری کردند. کارگران ایران خودرو تبریز خواهان همسان‌سازی حقوق‌ها با کارگران سایر کارخانجات ایران خودرو و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند.

۸ آذر

در چهارمین روز از اعتصاب کارگران ایران خودرو تبریز، مدیرعامل این شرکت با ارسال پیامکی به کارگران این شرکت اعلام کرد که: «از روز شنبه ۶ آذر ماه، تا اطلاع ثانوی کارخانه تعطیل است!». مدیریت ایران خودرو با همدستی وزارت صنعت با تعطیل کردن این کارخانه، کارگران را بر سر دوراهی انتخاب خواسته‌ها و یا بیکاری قرار داده است. گروگان گرفتن کارگران ترفند همیشگی کارفرمایان منجمله کارفرمای دولتی بوده و هست. حدود ۴۰۰ تن از کارگران پیمانکاری‌های شریفی و باقرپور که در پتروشیمی آپادانا در اعتراض به عدم اجرای وعده‌های کارفرما مبنی بر افزایش دستمزد حداقل ۱۲ میلیون و کاهش روزهای کاری به ۲۰ روز، مجدداً دست به اعتصاب زدند و به خوابگاه‌ها برگشتند.

۱۳ آذر

ده نفر از کارگران کارخانه سیمان جوین در استان خراسان رضوی به دلیل پیگیری مطالبات خود توسط کارفرما تعلیق شده‌اند. ۲ نفر از آنها از نمایندگان کارگران هستند.

کارگران معدن مس "سونگون" در جاده ی کنار معدن، در

نیروهای لباس شخصی با همراهی نیروهای انتظامی، شبانه به محل تجمع کشاورزان اصفهانی در زاینده رود حمله کردند و چادرهای آنها را به آتش کشاندند و کشاورزان را با قصد متفرق کردن مورد ضرب و شتم قرار دادند.

حبیب فدایی جونقانی در تجمع مردم شهر کرد اعلام داشت: «این یک درد مشترکی است برای ما ایرانیان، ما کمبود آب نداریم، ولی به خاطر اینکه سال‌های سال سو [مدیریت] داشتیم به این اوضاع رسیدیم. ما با مردم اصفهان دشمنی نداریم، مردم اصفهان برادران ما هستند، آب را عده‌ای مافیا، خودکامه و... برده‌اند»

۵ آذر

یگان ویژه ضد مردمی با حمله وحشیانه و شلیک گلوله ساچمه‌ای و گاز اشک‌آور به چشم و سر مردم و بازداشت حداقل ۲۱۴ نفر از جمله ۱۳ کودک، سعی در برهم زدن تجمع مسالمت آمیز کشاورزان و مردم اصفهان داشت ولی با مقاومت دلیرانه مردم مواجه شد و بخشی از نیروهای انتظامی مجبور به فرار شدند.

هم‌زمان با درگیری‌های شدید مردم و نیروهای سرکوبگر در اصفهان، مردم زیر قلعه نیز در خرم آباد برای مطالبه‌ی حق آبه‌ی لرستان دست به تجمع زدند.

۶ آذر

کشاورزان شهرستان بای خوزستان، در اعتراض به عدم حقایبه کشت پاییز مقابل درب شرکت آبیاری اراضی شرق کارون تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۸ آذر

بیانیه هشت تشکل مستقل کارگران، بازنشستگان، روزنامه نگاران و معلمان با انتشار بیانیه‌ی سرکوب کشاورزان و مردم اصفهان را محکوم ساختند. در این بیانیه آمده است: «... جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی پیشرو ضمن مخالفت با اقدامات مخرب زیست محیطی، پشتیبان کشاورزان زحمتکش هستند و از خواسته‌های آنان دفاع می‌کنند. ما سرکوب کشاورزان و مردم معترض اصفهان را محکوم می‌کنیم و خواهان مجازات سرکوب گران و آزادی بی‌قید و شرط همه دستگیر شدگان هستیم.»

مبارزات متشکل و آگاهانه فرهنگیان شاغل و بازنشسته تا محقق شدن مطالبات برحقشان ادامه خواهد یافت..
راه پیروزی از اتحاد و مبارزه آگاهانه می‌گذرد.*

پنجمین روز اعتصاب خود در اعتراض به مدیریت فاسد و ناکارآمد، دریافتی ناعادلانه و پایمال شدن حقوق کارگران دست به راهپیمایی زدند. در پی راهپیمایی اعتراضی بیش از ۲۰۰۰ نفر، یک دستگاه جرثقیل با سرعت بالا و بدون هیچ گونه اخطار به سمت کارگران حرکت کرد. این اقدامی از سوی کارفرمایان علیه کارگران برای ایجاد اختلال در اعتصاب بود. این حرکت ضد انسانی خوشبختانه خسارات جانی نداشت.

۱۴ آذر

در ششمین روز از اعتصاب بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران معدن سونگون ورزقان، توسط نیروهای گارد ویژه به حمایت از کارفرمایان کاملاً به محاصره در آمد. حدود نیمی از کارگران اعتصابی شب را داخل خوابگاه‌ها ماندند و نیمی نیز به منازل خود برگشته بودند که از صبح زود که قصد برگشت به محوطه معدن را داشتند توسط نیروهای انتظامی از ورود و تردد کارگران جلوگیری شد. خانواده‌های کارگران اعلام کردند که چنانچه اتفاقی برای کارگران اعتصابی روی بدهد همگی از ارومیه، تبریز، ورزقان و اهر به محوطه مجتمع خواهند آمد و دست به اعتراض خواهند زد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار بیانیه‌ی سرکوب و سوء قصد به جان کارگران مجتمع مس سونگون در ورزقان را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... ما ضمن اعلام حمایت از کارگران اعتصابی، به سهم خود عموم حامیان طبقه کارگر را در همه جا فرامی‌خوانیم که به دفاع از حق کارگران اعتصابی برخیزند.»

۱۶ آذر

دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد در اعتراض به تبعیض پرداخت حق کرونا و کارانه در حیاط دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران شرکتی صنعت برق کشور که از نقاط مختلف به تهران آمده بودند، با تجمع مقابل ساختمان وزارت نیرو خواستار پیگیری وضعیت شغلی و استخدامی خود شدند.

۲۷ آذر

کارگران کارخانه روی بندرعباس در اعتراض خلف وعده استاندار و عدم رسیدگی به مطالباتشان، و کاهش مدت قراردادهای کاری، در مقابل ساختمان این کارخانه تجمع کردند

اعتراضات مردمی

۲ آذر

به دنبال تجمعات بزرگ مردم اصفهان، مردم چهارمحال و بختیاری نیز برای رفع مشکلات آبی سومین روز از تجمع و راهپیمایی خود را پشت سر گذاشتند.

۴ آذر

با وجود دو هفته اعتراضات مسالمت آمیز کشاورزان که هزاران تن در این اعتراضات به صورت مسالمت آمیز شرکت داشتند،

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم



برگی از تاریخ به مناسب روز دانشجو

روز دانشجو بار دیگر فرا می‌رسد. شانزده آذر ۱۳۳۲ به عنوان روز «مقاومت تاریخی» بر علیه استبداد ستم‌شاهی و استعمار در تاریخ مبارزاتی دانشجویان ایران ثبت شده است.

مبارزه دانشجویان دانشگاه تهران بر علیه دادگاه فرمایشی و ارتجاعی دکتر محمد مصدق و بر علیه سفر نیکسون معاون وقت رئیس‌جمهوری امریالیسم آمریکا در ایران بازتاب وسیعی داشت. در این روز در پی یورش نیروهای امنیتی و گارد به دانشکده فنی دانشگاه تهران و درگیری میان آنان و دانشجویان، سه دانشجوی مبارز این دانشگاه، «شریعت رضوی»، «مصطفی بزرگ‌نیا» و «احمد قندچی» در راه میهن و برای آزادی و استقلال جان باختند و ده‌ها تن مجروح و بازداشت شدند. از آن پس همه ساله، دانشجویان دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های سراسر ایران مراسمی به یاد شهیدان آن روز برپا کرده و در دوران رژیم منفور جمهوری اسلامی نیز دانشجویان این روز را همواره گرامی داشته‌اند.

مبارزات چند دهه اخیر دانشجویی ایران با الهام از نسل گذشته

و دست‌آوردهای پُربار و ارجمندی که این نسل برای آنها به ارث گذارده است، خیزش انقلابی ۱۸ تیر ۷۸ را آفرید که با جنبش دموکراتیک، ضد سلطنت و ضد امپریالیستی پیوند خورد. این جنبش ناقوس مرگ رژیم جمهوری اسلامی را به صدا درآورد و همانند ۱۶ آذر بازتاب درد و رنج عمومی مردم ایران بود.

بی‌تردید فضای اجتماعی دانشگاه را نمی‌توان جدا از کلیت جامعه ارزیابی کرد. هر گونه فعالیت سیاسی و صنفی در جامعه با برخورد شدید دستگاه سرکوب و بایکوت رسانه‌ای روبه‌رو می‌شود. سرکوب اعتراض‌های صنفی کارگران، معلمان و دگراندیشان و... در سال‌های اخیر نشان‌دهنده چگونگی آزادی فعالیت صنفی و سیاسی در ایران است. دانشگاه نیز از این امر مستثنی نیست. مبارزات دانشجویی تنها با هوشیاری و در پیوند با سایر مبارزات اجتماعی بویژه کارگران و اقشار تحت ستم جامعه بر علیه ارتجاع داخلی و عوامل نفوذی خارجی می‌تواند به اهدافش برسد.

یاد همه دانشجویانی که در مبارزه علیه رژیم‌های تبهکار شاه و شیخ جان باختند، گرامی باد! *



سخنی درمورد تقاضای پناهندگی هندبالیست ملی پوش ایرانی، شقایق با پیری

ورزشکاران هر کشوری کسانی هستند که موجب سرفرازی ملت خود و پیام آور صلح و دوستی با دیگر ملت های جهان می باشند. در تاریخ ما حتی کسانی که در دوره جهان پهلوان غلام رضا تختی زندگی نمی کردند، نام و آوازه این ورزشکار آزاده را شنیده و او را موجب افتخار ایران می دانند. متأسفانه در عصر افسار گسیخته سرمایه داری که همه چیز تبدیل به کالا گشته است و اگر پرداخت بهای کالایی برای خریدار مقدر باشد، می توان آن را خرید و فروش کرد، بعضی از ورزشکاران هم به مثابه کالاهای کمیاب برای خرید و فروش در دسترس خریداران ثروتمند قرار می گیرند. بعضی ها تنها باشگاه ورزشی خود را عوض کرده وعده ای هم ملیت خود را فروخته و در زیر پرچم کشور دیگری در عرصه های ورزشی به کار می پردازند. عرق ملی و میهن دوستی دیگر محلی از اعراب ندارد! در سالهای اخیر پناهنده شدن چند ورزشکار ایرانی و بخصوص چند زن ورزشکار ایرانی موضوع داغ اما کوتاه مدت مطبوعات اروپایی گردید، که هر از چند مدتی برای خوردن نان داغ به نرخ روز و برای خوش خدمتی به سرمایه داری دوباره دلسوزی و نگرانی خود برای زنان ایرانی به عرصه تماشا گذاشتند. مورد اخیر پناهندگی خانم شقایق با پیری، هند بالیست ملی پوش ایرانی به کشور اسپانیا بود. وی در اولین ویدیوی خود اظهار می دارد که "در کل زندگی خود تنها به دنبال ورزش بوده و از سیاست چیزی نمی داند". اما ایشان در مصاحبه بعدی با صدای امریکا به مانند یک دختر بچه مدرسه ای ویسواد سیاسی که حتی قادر به تکلم چند جمله درست نیست به شکایت و گله از مریدان خود پرداخته و باز مطابق معمول پای مقتعه و حجاب اجباری در ایران را بعنوان یک پرچم سیاسی برای اخذ پناهندگی مطرح کرد. اینها همان دلایلی هستند که پیشتر کیمیا علیزاده هم برای اخذ پناهندگی عنوان کرده بود. ظاهراً سناریو نویس علیزاده و سناریو نویس با پیری یکی است و برای همگی این سینه چاکان حقوق زن در ایران مطلب از پیش نوشته شده ای آماده در کشوی میز است، که هر بار کافی است تا نام در خواست کننده را به مانند تمام نامه هایی که از طرف اداره جات برای اشخاص مختلف فرستاده می شود، عوض نمایند. هر دوی این

زنان "آزار دیده و رنج کشیده" در ایران که تا دیروز از قبل کار و زحمت یک ملت می توانستند در چهارچوب معینی به ورزش پرداخته، در اردوهای متفاوت شرکت کنند، به یکباره آنجا که موقعیتی پا داد و برسر قیمت خریداری شده و وعده های آنچنانی توافقی صورت گرفت تازه یادشان آمد، ای دل غافل چرا تا بحال بفکر "زنان دربند" ایرانی نبودند. البته کیمیا علیزاده مخالفتی با گرفتن ۳۰۰ سکه طلا، ۱۰ هزار دلار، یک آپارتمان و ۵۰ میلیون تومان و یک خودرو را از طرف مردانی که در حق دیگر زنان و حتی خود او اجحاف می کنند را نداشته بود و با وقاحت خواهد گفت که آن حق او بوده است. تنها امیدواریم که این مدافعان حقوق زنان برای حقوق هزاران زن پناهنده در اروپا که در شرایط رقت باری زندگی می کنند، زنان اروپایی که به دست شوهرانشان به قتل رسیده، از شوهران خود کتک خورده و با فرزندان خود در خانه های متعدد زنان مخفی زندگی می کنند به میدان آمده و دروغ های سرمایه داری را افشا نمایند.

امروز در ایران مبارزه گسترده اجتماعی در زمینه حقوق دمکراتیک زنان در تمام عرصه ها در جریان است. فعالین سیاسی و فرهنگی زن بدرستی در مقابل تبعیض جنسیتی و سرکوب زنان و بر حق انتخاب آزاد پوشش برای زنان و بخصوص در مورد زنان ورزشکار، پافشاری می کنند و گام به گام رژیم زن ستیز حاکم را به عقب می رانند. نگاهی به بسیاری از زنان ورزشکار ایران که حتی در کنار دست فروشی و کار سخت برای امرار معاش خود به ورزش خود پرداخته نشان می دهد که آنها ضمن تلاش برای رسیدن به اهداف ورزشی خود به مبارزه برای تغییر و تحول سیاسی و اجتماعی نیز ادامه می دهند و فقط به فکر بیرون کشیدن گلیم خود از آب نیستند. ببینید دولت های غرب چه ریاکارند، از یک سو مرزهای کشورشان را به روی پناهندگان و جنگ زدگان که محصول سیاست های تجاوز کارانه خودشان است بستند و به سختی به یک مبارز سیاسی و یا فراری جنگ زده پناهندگی می دهند اما به افرادی نظیر خانم شقایق با پیری که آشکارا از بیان سیاسی بودن خود پرہیز می کنند، به آنها پناهندگی سیاسی اهدا می کنند تا بعنوان پرچمی در دفاع از "حقوق بشر" بر علیه حریف مقابل، به اهداف امپریالیستی خود دست یابند.

سخن بر سرفساد و نفوذ باندهای مافیایی در درون ورزش ایران و سخت گیری های اجتماعی نیست و ما بارها در این مورد نوشتیم و فشارهای ظالمانه بر زنان را شدیداً محکوم نمودیم. این مشکلات مانند دیگر مشکلات اساسی در ایران برای بسیاری از دست اندرکاران حوضه ورزش، خبرنگاران و مردم ایران آشکار است و در روزنامه های ایران و انجمن های زنان و محافل دانشگاهی نیز در جریان است. اما رفع این مشکلات با هیاهو و پناه بردن به جریانات مشکوک برون مرزی و آلت دست شدن محافل ضد ایرانی ممکن نیست. تغییر و تحولات اجتماعی از جمله تحقق حقوق دمکراتیک زنان، آزادی پوشش و لغو تبعیض جنسیتی در تمام عرصه ها بعنوان یک جز از کل مطالبات مردم ایران تنها به دست زنان و مردانی امکان پذیر است، که عزم خود را جزم کرده و با درایت و هوشیاری در جهت منافع حقوق جمیع ملت تحت فشار و سرکوب ایران و در حمایت از ورزشکاران آزاده ای که برای سربلندی ملت غیور ایران افتخار آفرینند، برای مطالبات بر حق آنها به پیگیری این مطالبات متحداً به رزمند. جهان پهلوان غلام رضا تختی در دوران سیاه و ننگین پهلوی چی ها همواره در کنار مردم ایران برای سر بلندی این ملت غیور ایستاد و از حقوق آنها دفاع کرد. هرگز سرخم نکرد و آزاده زیست. ملت ایران هم همواره او را در حافظه تاریخی خود نه تنها بعنوان یک ورزشکار بلکه بعنوان جهان پهلوان تختی حفظ خواهد کرد. *

زنان ایران را در کُل مشمول ملاحظات و معیارهایی متفاوت و غیرمتعارف می‌کند. شایان ذکر است که تیم ملی هندبال بانوان ایران با کسب جایگاه چهارم رقابت‌های هندبال قهرمانی آسیا، جواز حضور در مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۲۱ با میزبانی اسپانیا را کسب کرد.

بیست و پنجمین دوره از رقابت‌های هندبال قهرمانی زنان جهان با شرکت ۳۲ تیم در ۸ گروه ۴ تیمی با میزبانی ۴ شهر در اسپانیا از دهم آذر آغاز شده و سرانجام با پیروزی تیم نروژ بر فرانسه بعنوان قهرمان جهان به کار خود پایان داد.

دوم: تیم ملی هندبال زنان ایران در نخستین حضور خود در جام جهانی هندبال، صحنه‌های گیرا و میخکوب کننده‌ای داشت. این تیم به رغم شکست مقابل تیم‌های رومانی، نروژ و قزاقستان، لحظات شادی را برای ورزش ایران رقم زد تیم ملی هندبال زنان ایران با نخستین حضور خود در تاریخ مسابقات قهرمانی هندبال زنان جهان، توجه ویژه صحنه بین‌المللی ورزش را به خود جلب کرد. ملی‌پوشان زنان ایران به رغم شکست در سه دیدار خود در مرحله گروهی در برابر تیم‌های ملی رومانی، نروژ و قزاقستان، عملکرد قابل قبولی را با توجه به شرایط و محدودیت‌های فراوان خود، به نمایش گذاشتند.

ملی‌پوشان هندبال زنان ایران در آخرین دیدار خود، کارایی قانع کننده‌ای را در برابر تیم ملی قزاقستان داشتند. تیم ملی زنان ایران با وجود شکست ۳۱ بر ۲۵ مقابل ملی‌پوشان قزاقستان، با سربلندی مرحله گروهی مسابقات هندبال زنان قهرمانی ۲۰۲۱ جهان را به پایان رساند. اما دومین حریف ملی‌پوشان هندبال زنان ایران، تیم ملی هندبال زنان نروژ بود که قهرمان اروپا بود و در این دوره از مسابقات جهانی هم با پیروزی بر فرانسه قهرمان جهان شد. تیم ملی زنان ایران اما با وجود ناکامی ۴۱ بر ۹ در این رویارویی، لحظه‌ای فراموش نشدنی را برای ورزش ایران به ثبت رساند. در این بازی فاطمه خلیلی، دروازه‌بان تیم ملی ایران، هرچند که ۴۱ بار گل خورد، با عملکرد درخشان خود مانع دریافت گل‌های خیلی بیشتری برای ملی‌پوشان ایران شد. این کارایی بی‌نظیر پس از پایان بازی، مورد تقدیر و ستایش فدراسیون جهانی هندبال قرار گرفت.

انتخاب فاطمه خلیلی به عنوان بهترین بازیکن در این بازی، یک لحظه بسیار شاد و تاریخی دیگر برای ورزش زنان ایران بود.

این صحنه در عرصه رسانه‌های بین‌المللی بازتاب قابل توجهی داشت و به عنوان «گیراترین» لحظه مسابقات قهرمانی هندبال ۲۰۲۱ جهان توصیف شد.

شرکت ورزشکاران ایرانی در رقابت‌های جهانی و به کوری چشم وطن‌پروشان که پرچم تحریم را برافراشته اند، با موفقیت‌های فراوانی همراه بوده است و این روند علیرغم همه محدودیت‌هایی که وجود دارد ادامه می‌یابد. هر پیروزی ورزشکاران ایرانی باعث غرور و شادی و افتخار مردم ایران و خاری در چشم نوکران اجانب است. *



دروازه‌بان تیم ملی هندبال ایران، فاطمه خلیلی، که در جام جهانی برای نخستین بار وارد این دوره از مسابقات شدند، موجب تحسین فدراسیون جهانی شد.

لحظاتی به یادماندنی برای هندبال زنان ایران در رقابت‌های جهان ۲۰۲۱

یکم: راه‌یابی تیم ملی هندبال زنان ایران به مسابقات قهرمانی جهان، با توجه به محدودیت‌های فراوان موجود برای ورزش هندبال زنان در ایران، یک کامیابی چشمگیر برای ورزش زنان ایران محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی با قوانین ارتجاعی اش پوشیدن لباس ورزشی با «پوشش اسلامی» را برای ملی‌پوشان هندبال زنان ایران امری الزامی می‌داند. این مسئله شرایط حضور در یک رقابت هم‌سطح با سایر حریفان را که با لباس‌های ورزشی مطابق استاندارد بین‌المللی به میدان می‌روند، برای بازیکنان تیم ملی هندبال زنان ایران دشوار می‌کند.

این نکته در همه سه دیدار تیم ملی زنان ایران مقابل تیم‌های ملی رومانی، نروژ و قزاقستان نیز بسیار مشهود بود. همچنین عدم وجود اردوهای مناسب و بازی‌های تدارکاتی و نیز عدم پشتیبانی این تیم از سوی حامیان مالی، ارزیابی عملکرد تیم ملی

چند یادداشت کوتاه سیاسی



به مناسبت زادروز رفیق استالین

۲۱ دسامبر ۱۸۷۹، زادروز رفیق استالین است. وی در تمام دوران زندگی کمونیستی و پرافتخارش، با اصولیت تمام، با تمام افکار پوسیده بورژوایی مبارزه نمود و با الهام از لنین می گفت که «هرگز از چیز خرد چشم نپوشید که از خرد است که کلان بر می خیزد». استالین به ایده مارکسیسم و تکامل آن به لنینیسم وفادار ماند. حمایت از استالین و تجلیل از وی، حمایت از لنینیسم، حمایت از حزبیت طبقاتی، دیکتاتوری پرولتاریا و انقلاب قهرآمیز پرولتاریائی، پذیرش اصل مبارزه طبقاتی، نفی پارلمانتاریسم بورژوائی است. حمایت از استالین یعنی پذیرش این واقعیت که جنگ طلبی در سرشت امپریالیسم نهفته بوده و مبارزه با امپریالیسم و فاشیسم، مبارزه با همه گونه انحرافات رویونیستی «چپ» و راست برای کمونیست‌ها جنبه حیاتی دارد. در غیر این صورت حمایت ظاهری از استالین چک بی محل است تا صورت رویونیست‌های «استالینیست» را سرخ نگهدارد و به آنها امکان دهد رویونیسم را در پشت خرقة «اعاده حیثیت از استالین» بپوشانند و بر ضد طبقه کارگر و خلق‌های جهان دسیسه بچینند. به همین جهت رویونیسم دشمن خطرناک کمونیست‌هاست و باید با وی مبارزه بی امان نمود.*



پیروزی «گابریل بوریکی» در شیلی یک گام به پیش!

با شمارش بیش از ۹۹ درصد آراء، «گابریل بوریکی» نامزد جناح چپ و سیاستمدار ۳۵ ساله شیلی با کسب ۵۵.۸۶ درصد آراء در مقابل ۴۴.۱۴ درصد رقیب راستگرای خود، رئیس جمهوری این کشور شد و با این رویداد، آمریکای لاتین، یک گام بزرگ دیگر از آمریکا فاصله گرفت.

به گزارش خبرگزاری افه اسپانیا، «گابریل بوریکی» به عنوان رئیس جمهوری جدید شیلی، عهده دار انتقال کشور به دوران مهمی از تغییرات بزرگ اجتماعی اقتصادی شد تا قانون اساسی در حال آماده سازی را تثبیت کرده و به رویای تحولات اجتماعی وعده داده شده جامه عمل بپوشاند.

با انتخاب بوریکی ۳۵ ساله در برابر «آنتونیو خوزه کاست» راستگرای افراطی و مدافع جریان دیکتاتوری پینوشه، شیلی نیز به جمع کشورهای آمریکای لاتین از جمله آرژانتین، بولیوی، هندوراس، مکزیک و پرو پیوست که در سال‌های اخیر به جناح چپ گرایش پیدا کرده اند. این تحولات باعث فاصله گرفتن بیش از پیش آمریکای لاتین از واشنگتن شده است. تنها با جهت گیری ضد امپریالیستی، ضد نئولیبرالی و بسیج زحمتکشان برای مقابله با طبقه مسلط سرمایه‌داری، می توان آینده مثبته برای شیلی متصور بود.*



انتشار اسناد جدید از جنایات جنگی امپریالیسم آمریکا علیه غیرنظامیان

خبرگزاری فرانسه به نقل از نیویورک تایمز نوشت «اسناد تازه به دست آمده از وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) نشان می‌دهد جنگ‌های هوایی آمریکا در خاورمیانه دچار «اطلاعات عمیقاً نادرست» بوده که به مرگ هزاران غیرنظامی از جمله کودکان منجر شده است. به گزارش نیویورک تایمز، تحقیقات نشان می‌دهد شمار تلفات غیرنظامیان دست کم صدها نفر بیشتر از آن چیزی است که گزارش شده است.

در میان مواردی که به آن اشاره شده بمبارانی در ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۶ توسط نیروهای ویژه آمریکا علیه جایی است که معتقد بودند مناطق اجرای حملات داعش در شمال سوریه است. در گزارش‌های اولیه گفته بودند ۸۵ نیروی داعش در این بمباران کشته شدند اما در واقع افراد کشته شده شامل ۱۲۰ کشاورز و دیگر روستاییان بودند. مورد دیگر، حمله‌ای در نوامبر ۲۰۱۵ در

پنجم آمریکا ضبط شد! محموله موردنظر دارای ۱۴۰۰ تفنگ کلاشینکف و بیش از ۲۲۶ هزار فشنگ بود. بلافاصله و حتی قبل از «کشف» چنین سلاحی، «کارشناسان» مسائل بین المللی، خاورمیانه ای، ایرانی و جهان عرب و غیرعرب گفتند که سلاحها مال ایران بوده که قاچاقی به یمن ارسال می شده است! سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام نمود که «انتقال سلاح به یمن به کشته شدن غیرنظامیان و طولانی تر شدن جنگ منجر خواهد شد.»!

جمله «کشته شدن غیرنظامیان»، اوج سیاست های «بشر دوستانه» و «حقوق بشری» دولت مردان آمریکایی را به نمایش گذاشت و دل رهبران جهان سرمایه داری را، که برای «صلح و آشتی و برای کمک های انسان دوستانه» روز و شب تلاش می کنند، به «درد» آورد! اگر قاچاق این اندازه تفنگ و فشنگ از ایران به یمن نبود، ائتلاف عربستان سعودی و امارات متحده عربی و غیره، با خرید ده ها بل صدها میلیارد دلار انواع سلاح های مرگبار از آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و اسرائیل اجازه نمی دادند از دماغ یک یمنی قطره ای خون بچکد!؟ همانگونه که از زمان «جورج بوش (پدر)» و پسر جنایتکارش و رئیس جمهور او، تلاش فراوانی شد تا ملت های افغانستان، عراق،

لیبی و سوریه در «صلح و آرامش» به سربرند!؟ در همین راستا، یعنی برای «حفظ صلح جهانی» است، که «پرزیدنت» بایدن با همکاری امپریالیسم ژاپن در تقابل و دشمنی با چین در پی طرح مشترکی در ارتباط با «تایوان» است و یا بازهم برای «صلح جهانی» است که امپریالیست های «ناتوی» به رهبری آمریکا گام به گام حوزه نفوذ ناتو را به سمت روسیه گسترش می دهند و در تلاش اند تا رژیم فاشیستی اوکراین و گرجستان را به عضویت ناتو در بیاورند و به بهانه حمله روسیه به اوکراین، که مدام از طریق رسانه ها و کانال های ماهواره ای وابسته تبلیغ می شود، تا پیشاپیش روسیه را مقصر و شروع کننده جنگ به جهانیان معرفی نمایند، به دو جمهوری روسی الاصل شرق اوکراین که پس از کودتا و سقوط دولت یاناکویچ و حاکمیت رژیم نئونازیستی در اوکراین، اعلان خودمختاری کرده، حمله کنند و نسل کشی جدیدی راه بیندازند. اما به نظر می آید که روسیه زرننگ تر و محتاط تر از این طرفداهاست.

در این میانه نظریات «کارشناسان» نام آشنای ایرانی ضد ایران و مستخدم در کانال های ماهواره ای نفرت انگیز خارجی، به راستی تهوع آوراست. ذره ای انسانیت و شرافت و وطن دوستی در جسم و روان دیده نمی شود. چه می توان کرد که در زمانه وارون و در دنیای مسخره حاکمیت سرمایه روزگارمان سپری میشود و به گفته خاقانی:

«ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما

در قصر ستمکاران تاخود چه رسد خذلان»

رمادی عراق است که مردی در حال کشیدن یک شی سنگین ناشناس به سمت یکی از مواضع داعش مشاهده شد. یک بررسی نشان داد این شی یک کودک بود که در این حمله جان باخت. حمله پهبادی ماه اوت در کابل منجر به ۱۰ نفر از اعضای یک خانواده شد که چند کودک در میان آنها بودند.



نیروهای نظامی آمریکا رسماً وارد تایوان شده اند، آمریکا آگاهانه با آتش بازی می کند

نشریه چینی Guancha - 观察者在 گزارشی نوشت، نیروهای نظامی آمریکا به همراه تجهیزات و تسلیحات سنگین هوایی وارد جزیره تایوان شده اند. به نظر می رسد برخی مقامات تایوانی تلاش می کنند تا با استفاده از حضور آمریکا در اقدامات عجولانه اعلام استقلال کنند. آمریکا باید بداند که پکن تایوان را جزئی از خاک خود می داند، در غیر این صورت ماجراجویی های آمریکا بازی آگاهانه با آتش است. برخی رسانه های آمریکایی در اولین اکتبر گزارش هایی مبنی بر تصمیم نهایی چین برای تصرف تایوان منتشر کردند آمریکا این فضا را برای توجیه حضور نظامی خود در تایوان ایجاد کرده است و باید بداند که هر اقدامی در جزیره متعلق به چین پیامدهای ناگواری به همراه دارد. این رسانه به نقل از یک مقام چینی اعلام کرده است، چین اجازه نمی دهد تا با جدا کردن قطعه ای از خاک چین، تایوان مستقل ایجاد شود. هیچ کس نباید قاطعیت چین را در دفاع از منافع حیاتی مورد آزمون قرار دهد این تحریکات جنگ طلبانه در تایوان و اوکراین نشان می دهد که آمریکا به سادگی تن به عقب نشینی برای نظم چندقطبی در جهان نمی دهد.



اشاراتی طنزگونه به چند خبر اخیر در رسانه ها

در خبرها آمده که روز دوشنبه ۲۹ آذر یک محموله سلاح های غیرمجاز از یک قایق ماهیگیری بدون پرچم توسط ناوگان

«حزب چپ ایران (فدائیان خلق)»، فدائی کدام «خلق»؟

در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱ «حزب توده ایران» طی پیامی به دومین کنگره حزب چپ ایران (فدائیان خلق) ضمن شادباش و آرزوی موفقیت برای برگزاری کنگره و پس از اشاراتی به مشکلات و معضلات داخل کشور پرداختن به «مسائل اساسی و مهم جنبش ضد استبدادی» و به «چالش کشیده نشدن اساس رژیم ولایت فقیه»، نه رژیم سرمایه داری ایران، از مسلط شدن نظرات غیرمارکسیستی در درون «حزب چپ» گلایه کرد و نوشت که؛ «این نظریات نه تنها به وحدت عمل فدائیان کمکی نخواهد کرد بلکه روند جدایی های مجدد را افزایش خواهد داد». سپس از وبگاه «به پیش»، که عملکردش همانند وبگاه حزب چپ فدائیان است، نقل قولی خطاب به رهبران حزب چپ (فدائیان خلق) آورده که:

«به نظرمی رسد چهار جریان مختلف در حزب مشغول فعالیت، رقابت و مبارزه اند. جریان غرب گرای طرفدار نئولیبرالیسم (سوسیال دموکراسی راست گرا)، چپ ملی گرای دموکراتیک (سوسیال دموکراسی میانه و رادیکال)، نیروهای مارکسیست و مارکسیست لنینیست (کمونیست ها و سوسیالیست ها)، و چپ نماهای هوادار اصلاح حکومت جمهوری اسلامی (بخش سکولار هواداران اصلاح طلبان استمرار طلب...!»

جالب است که حزب توده، به رغم مبارزات و مواضع انقلابی و درخشانش تا زمان حیات رفیق استالین و شوروی سوسیالیستی که در خورتحسین است، پس از مرگ استالین و قدرت گیری خروشچف با تزه های ضد مارکسیست - لنینیستی و ضد استالینی اش که ولوله در تمامی احزاب چپ جهان انداخت، چنان مدافع رویزیونیسم خروشچفی گردید که در نهایت چاره ای بجز پناه آوردن به زیر عباي ملاها، این مرتجع ترین نیروهای اجتماعی، برایش نماند و با این عملش، هم لعنت نیروهای انقلابی و هم تکفیر مرتجعین اسلامی رابه جان خرید و شد چوب دو سرطلا!! حال حزب رویزیونیستی توده همچون واعظ غیرمتعظ در پی اصلاح حزب هفته بیجاری بنام (حزب چپ (فدائیان خلق) است که معلوم نیست چپ اند، راست اند، میانه اند و یا «سوسیالیست»! «حزب چپی» که اکثر اعضای آن، با بی بی سی، ایران اینترنشنال، صدای آمریکا، اصلاح طلبان داخلی و خارجی، «شورای گذار»، «جمهوری خواهان» و محافل مختلف و مشکوک دیگر هر روز و هر شب به گپ زنی بی حاصل و موعظه رفرمیستی و گذار مسالمت آمیز مشغولند! تازه مدعی هم هستند و دو قورت و نیم شان هم باقی ست که:

: «ما بخشی از جنبش تاریخی چپ ایران و جهان هستیم». یاد می آید که چند ماه بعد از انقلاب در زیر شعار «تنها ره رهایی جنگ مسلحانه» در بالای دیوار دانشگاهی با ماژیک و به خط درشت نوشته بودند «زرشک».

حزب توده از زمان قدرت گیری خروشچف رویزیونیست، حدود ۶۰ سال قبل، تا به امروز فقط در حرف سوسیالیست است اما در عمل سالهاست از انقلاب کارگری، حزب طبقه کارگر

، دیکتاتوری پرولتاریا و بطور کلی از مقولات سوسیالیسم فاصله گرفته است. در زمان حکومت شاه به دنبال «جبهه واحد ضد دیکتاتوری» بود و از رفرم نو استعماری امپریالیستی دفاع کرد، در رژیم سرمایه داری اسلامی هم در دوره ای با توسل به تئوری رویزیونیستی «راه رشد غیر سرمایه داری» با خط امام خمینی «همراه بود و امروز نیز به دنبال «محافل دوراندیش» می گردد تا بلکه با جبهه ضد دیکتاتوری در قالب «طرد ولی فقیه» دیکتاتور را از اعمال دیکتاتوری بازدارد. حال یک چنین «حزب چپی» به آنچنان «حزبی چپی» معترض است که شماها چراسر رفته ندارید!



ادامه غارت نفت سوریه توسط آمریکا

به گزارش خبرگزاری رسمی سوریه (سانا)، پنجشنبه ۱۸ آذر، منابع محلی در حومه الیعریه واقع در حومه شمال شرقی حسکه گزارش داد، یک کاروان متعلق به نیروهای اشغالگر آمریکایی متشکل از ۸۶ خودرو که بیشتر آن حامل نفت سرقت شده سوریه است، پایگاه اشغالگران در فرودگاه نظامی خراب العجیر را ترک کردند.

بر اساس این گزارش، این کاروان آمریکایی از طریق گذرگاه غیرقانونی الولید در حومه حسکه وارد عراق شده است. پیش تر «بنه شعبان» مشاور ویژه رییس جمهوری سوریه در مصاحبه با رسانه های چین گفته بود، هدف آمریکا از حضور در سوریه حمایت از تروریسم و همچنین سرقت منابع مردم است. با شکست گروه تروریستی و آدمخوار «داعش» به عنوان بازوی نظامی آمریکا در سوریه در آذر ماه سال ۱۳۹۶، نیروهای آمریکایی مستقیماً جایگزین این جانوران شدند و دقیقاً از همان زمان نیز به جای داعش شروع به استخراج و سرقت نفت سوریه و ادامه کشتار مردم این کشور کردند.

دست متجاوزین آمریکایی از سوریه کوتاه!*

نگاهی به بودجه نهادهای مذهبی در سال ۱۴۰۱

جدولی را که مشاهده می کنید بودجه سال آینده است که دولت به نهادهای مذهبی اختصاص داده است. در حالی که معلمان شریف ایران، این آینده سازان میهن ما در فقر و تنگدستی به سر می برند و هر هفته در فضای خطرناک کرونایی به خیابان می آیند و علیه بی عدالتی و نظام فاسد و ریاکار جمهوری اسلامی، که جانشان را به لب رسانده است، فریاد می زنند. اگر بخشی از این بودجه

نهادهای مذهبی در بودجه ۱۴۰۱

درصد تغییر نسبت به ۱۴۰۰	درصد تغییر نسبت به ۱۴۰۰
۱۸۰٪ مرکز خدمات حوزه‌های علمیه ۲۸۰۸ میلیارد تومان	۱۲۲٪ موسسه نشر آثار امام خمینی ۷۷.۳ میلیارد تومان
۵۱٪ دانشگاه اهل بیت ۲۷ میلیارد تومان	۱۲۲٪ ستاد اقامه نماز ۳۰ میلیارد تومان
۲۴۵٪ شورای عالی حوزه‌های علمیه ۸۷۹ میلیارد تومان	۵۶۳٪ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی ۳۸.۴ میلیارد تومان
۱۱٪ دفتر تبلیغات اسلامی قم ۲۲۹ میلیارد تومان	۱۵٪ شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۸۶.۵ میلیارد تومان
۲۴۵٪ سازمان بسیج ۳۰۸۳ میلیارد تومان	۱۲۲٪ شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه‌های علمیه خراسان ۱۶۸ میلیارد تومان
۱۲۲٪ جامعه المصطفی ۵۷۶.۹ میلیارد تومان	۱۲۲٪ سازمان تبلیغات اسلامی ۷۴۱.۸ میلیارد تومان
۱۲۲٪ شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواهران ۴۶۰.۳ میلیارد تومان	۱۲۲٪ ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر ۵۷.۴ میلیارد تومان
۱۲۲٪ سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری ۲۷۶.۹ میلیارد تومان	۱۲۲٪ سازمان اوقاف و امور خیریه ۶۹۸ میلیارد تومان
۱۲۲٪ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۳۶.۴ میلیارد تومان	۱۲۲٪ شورای سیاست‌گذاری آئینه جمعه ۹۸ میلیارد تومان
۱۲۲٪ مرکز آذوقه اسلامی-تربیتی پیشرفت ۲۲ میلیارد تومان	۱۲۲٪ سازمان حج و زیارت ۱۸.۹ میلیارد تومان
۱۲۲٪ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ۴۹۶.۴ میلیارد تومان	۱۲۲٪ سازمان تبلیغات اسلامی ۷۴۱.۸ میلیارد تومان
۱۲۲٪ موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی ۹۲ میلیارد تومان	۱۲۲٪ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۳۳ میلیارد تومان

سراسر آموخته‌های انگلی صرف افزایش حقوق معلمان می‌شد، شاید امروز شاهد این همه اعتراضات نبودیم. رهبر جمهوری اسلامی اخیراً طی سخنرانی معلمان را به «صبر و فرصت‌دادن به دولت انقلابی رئیسی» دعوت نمود! جالب است دولت می‌گوید «پول همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را ندارد!»؟! پول قرنطینه ندارد؟! پول خرید واکسن ندارد؟! حقوق معوقه‌های کادر درمان و کارگران ندارد؟! پول تکمیل پروژه‌های زمین‌گیر شده ندارد؟! پول برای زیرساخت‌های شهری و روستایی ندارد؟! ولی ۱۵۱ میلیارد تومان، یعنی روزی ۴۵۰ میلیون تومان به بودجه تبلیغات اسلامی تعلق گرفته است.

۳۰۵ میلیارد تومان، یعنی روزی ۹۵۰ میلیون تومان به سازمان اوقاف اختصاص یافته است؟! ۶۹۶ میلیارد تومان، یعنی روزی ۲ میلیارد تومان به مرکز خدمات حوزه‌های علمیه تخصیص داده شده است؟! ۳۵۵ میلیارد تومان یعنی روزی یک میلیارد تومان از آن مرکز حوزه‌های علمیه (طلاب غیر شاغل) است؟! ۲۰۱ میلیارد تومان، یعنی روزی ۶۰۰ میلیون تومان به جامعه المصطفی (همان نهادی که ویروس را از چین به قم آورد) اختصاص داده شده است.

۳۰۶ میلیارد تومان، یعنی روزی ۹۰۰ میلیون تومان برای شورای عالی حوزه علمیه در نظر گرفته شده است؟! اینها را می‌توانستید از بودجه سال ۱۴۰۰ قطع کنید! مگر اینها در قرنطینه نیستند؟! اینها که علی‌الخصوص در حال حاضر که بخاطر خطر ویروس کرونا در خانه نشین شده‌اند، چرا باید برای آنها بودجه تعیین کرد؟! و حضورشان در این ورشکستگی مملکت چه اندازه مضر ثمر است؟

سال نو میلادی مبارک!

سال جدید میلادی ۲۰۲۲ را با امید به پیروزی مبارزات متحد، آگاهانه و متشکل کارگران و عموم رنجبران برای رهایی از استثمار و ستم طبقاتی، جنسیتی، نژادی و تمام مظاهر استعماری و امپریالیستی برای استقرار صلحی پایدار و سوسیالیسم، این تنها پرچم رهایی بشریت در سراسر گیتی، به هموطنان مسیحی و همه مردم جهان تبریک می‌گوئیم.

شاد و پیروز باشید!
سال نو مبارک



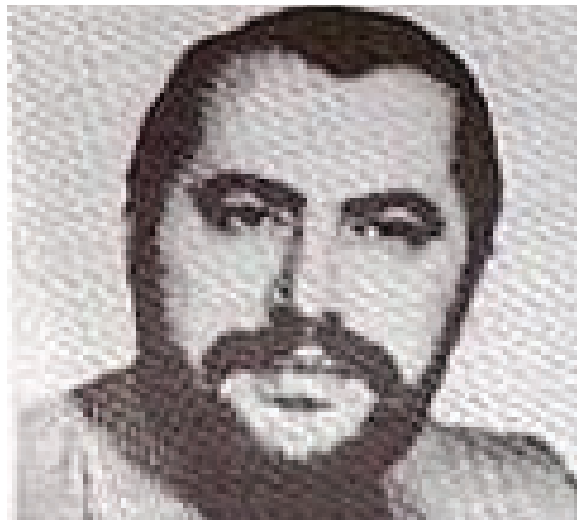


حکم دادگاه انگلیس را محکوم کنیم و صدای «جولیان آسانژ» باشیم!

دادگاه تجدید نظری در لندن در مورد درخواست ممانعت از استرداد جولیان آسانژ به آمریکا رای خود را صادر کرد. بر اساس این رای جدید، دادگستری بریتانیا ممنوعیت استرداد آسانژ به آمریکا را لغو کرده و به این ترتیب زمینه استرداد جولیان آسانژ به آمریکا را فراهم آورده است.

بنیانگذار ویکی لیکس، این خبرنگار آزادیخواه اکنون باید در انتظار استرداد به آمریکا باشد. قوه قضاییه آمریکا منتظر محاکمه جولیان آسانژ بنیانگذار تارنمای افشاگر ویکی لیکس خبرنگار ۵۰ ساله استرالیایی به اتهام واهی جاسوسی است. بر اساس شواهد و قرائن ارائه شده احتمال دارد که جولیان آسانژ در بیدادگاه های آمریکا با حکم ۱۷۵ سال زندان در زندان های به شدت نامناسب با شرایط غیر انسانی و فوق امنیتی روبرو شود و قتلش بصورت "دمکراتیک" حتمی است. این تصمیم ضد انسانی دادگستری بریتانیا در شرایطی گرفته می شود که یک دادگاه در ژانویه سال گذشته درخواست استرداد جولیان آسانژ به آمریکا را با توجه به وضعیت نگران کننده سلامت جسمی و روحی که به علت حبس در زندان های بریتانیا به آن گرفتار شده است را رد کرده بود. آسانژ از سوی امپریالیسم آمریکا متهم به سرقت و انتشار مطالب محرمانه از عملیات نظامی آمریکا در عراق و افغانستان با افشاگر جلسی مینینگ است. آمریکا ادعا می کند که "افشاگری آسانژ و سایت ویکی لیکس امنیت جاسوسان و خبرنگاران آمریکا را به خطر انداخته است". اما همه کس دانسته است که تنها جرم جولیان آسانژ به عنوان یک روزنامه نگار جسور و بیدار وجدان و محقق افشاگری جنایات جنگی امپریالیسم آمریکا و متحدانش در عراق و افغانستان بوده است. دولت آمریکا به تاکتیک های فرسایشی خود در پرونده جولیان آسانژ ادامه می دهد. هدف از این سیاست جنایتکارانه، خفه کردن دائمی صدای روزنامه نگار و آزاد بیان و ارباب در جهان است. دریایان به نقل از پایگاه اینترنتی روزنامه دیلی میل انگلیس، استلا موریس، نامزد جولیان آسانژ شب گذشته فاش کرد آسانژ در زندان بلمارش سخته کرده است. بنا بر گزارش ها مشخص شد آسانژ ۵۰ ساله، بنیانگذار ویکی لیکس، که در زندانی با حداکثر تمهیدات امنیتی نگهداری می شود در حین مبارزه با استرداد به آمریکا، با افتادگی پلک راست، مشکلات حافظه و علائم آسیب عصبی روبرو شده است. او معتقد است سخته مغزی کوچک به علت استرس ناشی از اقدام دادگاه آمریکا علیه او، و کاهش کلی سلامتی او در حالی که سومین کریسمس را پشت میله های زندان می گذراند، ایجاد شده است.

حکم دادگاه انگلیس را محکوم کنیم و صدای جولیان آسانژ باشیم!
دفاع از جولیان آسانژ، دفاع از آزادی بیان و دفاع از حقوق بشر است!
مرگ بر امپریالیسم انگلیس، نوکر امپریالیسم آمریکا، بزرگترین تروریسم دولتی جهان، ناقض حقوق بشر و حقوق ملل!*



یاد رفیق قدرت فاضله گرامی باد

به مناسبت سی و هشتمین سالگرد جانباختن رفیق قدرت فاضلی

رفیق قدرت فاضلی، عضو برجسته کمیته مرکزی دفتر سیاسی حزب کارایران (توفان) در آذر ماه سال ۶۱ در یورش وسیع دژخیمان به حزبمان به همراهی رفیق بابا پورسعادت مسئول حزب و رفقای دیگر دستگیر شد و از آن پس به صورتی مداوم تحت شکنجه های حیوانی رژیم قرار داشت تا به زانو در آید و «دیو را فرشته بخواند» اما کسی که به مردمش تعلق داشته، از تجربیات آنها فیض گرفته و اراده آنها را در خود داشته باشد، در مقابل این شکنجه ها تسلیم نمی شود زیرا احساس او به مردم زحمتکش شان و منزلت او را در درونش بالا می برد و او را به ارزش مقاومت و تسلیم نا پذیری خویش واقف می گرداند. و چنین بود که رفیق قدرت ما که همیشه برای کارگران و زحمتکشان زیسته و لحظه ای از آنها جدا نبود، چون کوه در مقابل این شکنجه ها ایستاد و سرخم نکرد و سرانجام پس از ماه ها شکنجه های وحشیانه در آذر ۶۲ جانباخت. کسی که تمام عمرش، از همان کودکی با کینه به دشمنان خلق پرورش یافته باشد چگونه می توانست غیر از این باشد! اکنون درسی و هشتمین سالگرد جانباختن رفیق قدرت فاضلی یادآوری می کنیم آنها که امروز تحت عناوین "دادخواهی و محاکمه جلادان جمهوری اسلامی" از نام شهدای راه آزادی و سوسیالیسم و استقلال و دموکراسی سو استفاده می کنند و به ریسمان قدرت های امپریالیستی آویزان شده اند ربطی به قدرت های ما، قدرت فاضلی ها، بابا پورسعادت ها، حسن مختاری ها، نادر رازی ها، اصغر پهلوانها، مجلسی ها، حسن حسنی ها، حجت آلیان ها، جانبرابر روحی ها... ندارند و هرگونه بهره برداری سیاسی از نام جانباختگان سیاسی را محکوم می کنیم. حزب ما، حزب کارایران (توفان) دادگاه های بودار امپریالیستی که حامیان تحریم های ضد بشری اقتصادی و "مداخلات بشردوستانه حقوق بشری" هستند را محکوم و فقط دادگاه خلق را که شایسته محاکمه جلادان جمهوری اسلامی است، به رسمیت می شناسد. یادرفیق قدرت فاضلی و همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم گرامی باد!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!
مرگ بر امپریالیسم آمریکا و مزدورانش!*

انقلاب ۵۷، شب و روز از بمب اتمی موهومی ایران سخن می‌گوید و طوری تبلیغ می‌کند که انگار بمب های اتمی آمریکا و متحدینش، بمب های متمدن و فهمیده ای هستند و لذا بی خطرند، اما بمب اتمی نداشته و ساخته نشده ایران بسیار خطرناک و مخرب اند.

آمریکا و اتحادیه اروپا و گماشتگان سرمایه جهانی به خوبی می‌دانند که ایران عضو سازمان بین المللی انرژی هسته ای و امضا کننده معاهده منع گسترش تسلیحات هسته ای است. بر این اساس و مطابق مقررات و قوانین بین المللی ایران حق داشتن چرخه کامل برنامه هسته ای را دارد و می‌تواند غنی سازی اورانیوم را طبق حقوق مشروع و طبیعی خود و عضوی از سازمان انرژی اتمی تولید کند. بنابراین طبق قوانین و مقررات سازمان انرژی هسته ای، سخنان سخنگویان امپریالیست‌ها، همچون دونالد ترامپ، پمپئو، جو بایدن، آنتونی بلینکن، امانوئل مکرون و بوریس جانسون و بقیه علیه برنامه های هسته ای ایران، سخنان پوچی بیش نیستند و مغایر قوانین بین المللی است.

آیا مشکل غرب غنی سازی بالا و بمب اتمی نداشته ایران است؟ بهیچوجه! فقط ساده لوحان و ترسوها و ایرانیان موجب بگیر اجنبی پرست بی وطن به این نوع تبلیغات دروغین باور دارند. مشکل امپریالیست‌ها و اسرائیلی‌ها موشک‌ها، پهپادهای ایرانی و نفوذ ایران در منطقه و شکست داعش در سوریه و شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه لبنان است. مشکل اساسی جنگ افروزان بین المللی غرب موجودیت اسرائیل است.

حضور نفرات و تعداد پایگاه‌های نظامی امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان ۲۰۲۱، به قرار زیر است:

- ۱- ژاپن - ۱۲۰ پایگاه تعداد نفرات: ۵۳.۷۱۳
- ۲- آلمان - ۱۱۹ پایگاه تعداد نفرات: ۳۳.۹۴۸
- ۳- کره جنوبی - ۷۳ پایگاه تعداد نفرات: ۲۶.۴۱۴
- ۴- گوام - ۵۴ پایگاه تعداد نفرات: ۶.۱۴۰
- ۵- ایتالیا - ۴۴ پایگاه تعداد نفرات: ۱۲.۲۴۷
- ۶- پورتوریکو - ۳۴ پایگاه تعداد نفرات: ۵۳۷۱۳
- ۷- انگلیس - ۲۵ پایگاه تعداد نفرات: ۹.۲۷۴
- ۸- پرتغال - ۲۱ پایگاه تعداد نفرات: ۱.۷۲۱
- ۹- ترکیه - ۱۳ پایگاه تعداد نفرات: ۱.۶۸۵
- ۱۰- بحرین - ۱۲ پایگاه تعداد نفرات: ۳.۴۲۱
- ۱۱- بلژیک - ۱۱ پایگاه تعداد نفرات: ۱.۱۴۷
- ۱۲- پاناما - ۱۱ پایگاه تعداد نفرات: ۲.۱۴۵
- ۱۳- جزایر مارشال - ۱۰ پایگاه تعداد نفرات: ۱.۳۲۴
- ۱۴- کویت - ۱۰ پایگاه تعداد نفرات: ۳.۷۳۱
- ۱۵- عربستان - ۱۰ پایگاه تعداد نفرات: ۲۸.۱۹۹۱

امپریالیسم آمریکا دشمن شماره یک بشریت، بزرگترین تروریست دولتی جهان، ناقض حقوق ملل و حقوق بشر، نه مبشر آزادی است و نه دوست و متحد مردم ایران. آن نیروهایی که چنین تبلیغ می‌کنند دشمنان قسم خورده مردم ایرانند.*



امپریالیسم آمریکا بزرگترین دشمن صلح جهانی

امپریالیست های «ناتویی» و درراس همه آنها دولت آمریکا خود را دموکرات، مدافع حقوق بشر، طرفدار دموکراسی و حامی صلح و آزادی جا می‌زنند! بخشی از مردم ایران و جهان هم آگاهانه و یا ناآگاهانه تحت تاثیر تبلیغات دروغین شان قرار می‌گیرند.

آمریکا تجاوزات نظامی و کشتار مردمان بی گناه در جنگ کُره، ویتنام، یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبی، سودان، سومالی، و سوریه و غیره و ده‌ها مورد کودتا در ایران، اندونزی، گواتمالا، هائیتی، کنگو، برزیل، یونان، شیلی، بولیوی، نیکاراگوئه و غیره و صدها مورد توطئه، شانتاژ، خرابکاری، تهدید و ترور در کشورهای دیگر جهان، ایجاد ده‌ها پایگاه‌های نظامی و جاسوسی در عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی پس از بمباران جنگ اول عراق در سال ۱۹۹۱، احداث پایگاه‌های نظامی و جاسوسی در کوزوو، آلبانی، بلغارستان، مقدونیه، مجارستان، بوسنی و کرواسی پس از جنگ یوگسلاوی در سال ۱۹۹۹، ساخت و ایجاد پایگاه‌های نظامی و امنیتی در افغانستان، پاکستان، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، گرجستان، یمن و جیبوتی پس از بمباران افغانستان در سال ۲۰۰۱، افزون بر اینها داشتن صدها پایگاه‌های نظامی در آلمان، ایتالیا، ژاپن و کره جنوبی و در مجموع ۸۵۰ پایگاه نظامی در پنج قاره جهان را در خدمت «آزادی»، «حقوق بشر»، «دموکراسی»، «کمک های انسان دوستانه»، «مبارزه با تروریسم» و برای «صلح و امنیت» در جهان می‌داند و مدام در رسانه های دیداری، نوشتاری و شنیداری جهنمی اش تبلیغ و عمه واکره هایش هم بام تا شام تکرار و نشخوار می‌کنند. در حالیکه بشریت آگاه جهان می‌داند که آمریکا بزرگترین دولت تروریستی جهان و خطرناکترین دشمن بشریت است. بنا بر گفته «جیمی کارتر»، رئیس جمهور سابق ایالات متحده، آمریکا از ۲۴۲ سال موجودیت خود ۲۲۶ سال را در جنگ سپری کرده است.

حال با توجه به مندرجات تیر وارفوق، خوب است به نوشته های مختصر ذیل هم نگاهی بیندازیم.

آمریکا دارای ۲۵۰۰ بمب اتمی و اولین کشور استفاده کننده آن در جهان است اما بنا بر ذات سلطه گری اش برای تسلط مجدد بر ایران و ایجاد پایگاه‌های نظامی و جاسوسی از دست رفته اش در اثر



چرا صهیونیست‌های اسرائیلی مدام ایران را تهدید نظامی می‌کنند؟

بیش از ۱۳ سال است که امپریالیست‌های «ناتویی» به رهبری آمریکا و اخیراً رژیم صهیونیستی اسرائیل همواره ایران را به حمله نظامی تهدید می‌کنند.

آیا این تهدیدات جدی و واقعی است و اصلاً جنبه عملی دارد؟ ایران کشوری است پهناور و با جمعیتی حدود ۸۵ میلیون نفر، متشکل از خلق‌های مختلف ایرانی که ریشه‌های عمیق هزاران ساله در این آب و خاک دارند. تاریخ ثبت شده (مدون) آن ۲۵۰۰ سال و غیر مدون (پیشاخط) آن چندین هزار سال است. «هگل» فیلسوف شهیر آلمانی، ایرانیان رانخستین ملت تاریخی و پادشاهی هخامنشیان را اولین امپراتوری در تاریخ می‌داند.

ایران یک میلیون و ۶۴۸ هزار و ۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت دارد. اسرائیل یک دولت ساختگی و غاصب است، تنها «کشوری» در جهان است که هیچگاه مرز مشخصی نداشته و همواره در پی جنگ و اشغال سرزمین‌های لبنان و سوریه و فلسطین بوده و هست. «قدمت تاریخی» اش هم به ۷۳ سال می‌رسد. طبق آمار منتشره مساحت آن برابر با ۲۲ هزار و ۱۴۵ کیلومتر مربع و جمعیتی نزدیک به ۱۰ میلیون نفر دارد. از آنجایی که ساکنان اولیه اسرائیل مهاجرانی از کشورهای دیگر بودند و رنگ و ریشه ای در آن خاک نداشتند، لذا به جرات میتوان گفت که فاقد عرق ملی و میهن دوستی بوده و دلبستگی عمیقی هم به آن سرزمین که از اساس مال خودشان نبوده، ندارند.

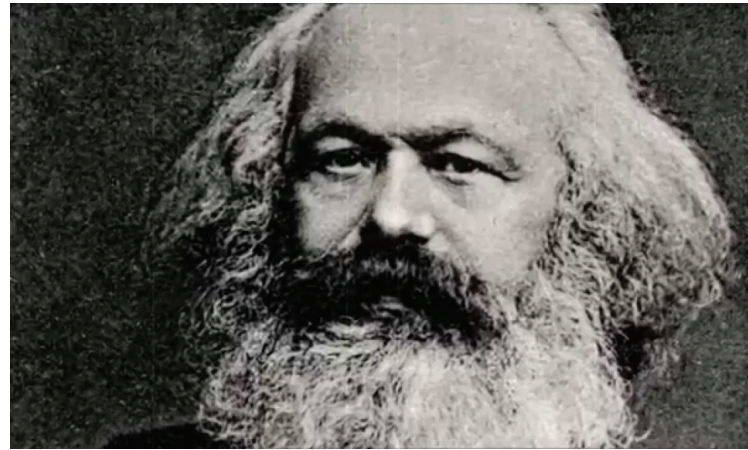
اسرائیل از حیث وسعت تقریباً ۷۴ مرتبه کوچکتر از ایران و از نظر جمعیت یک نهم جمعیت ایران را دارد.

حال می‌خواهیم بدانیم، با توجه به مطالب مختصر بالا که نشان می‌دهد اسرائیل کشور کوچکی در مقایسه با ایران است و بقول معروف عددی در مقابل عظمت و تاریخ پرشکوه و جلال ایران نیست، برای چه مدام کشور ما را به حمله نظامی تهدید می‌کند؟!

در پاسخ باید گفت که **اولاً** امپریالیست‌های وحشی و متجاوز غرب به سرکردگی آمریکا، چشم دیدن کشوری پهناور و قدرتمند و با فرهنگ و تمدن هزاران ساله در خاور میانه و در جوار رژیم اسرائیل را ندارند، **دوماً**، اسرائیل ضمن اینکه دارای ۲۰۰ تا ۴۰۰ کلاهک هسته‌ای است، از پشتیبانی کامل مالی، سیاسی و نظامی غرب خصوصاً آمریکا هم برخوردار است. **سوماً**، سیاست‌های ضد مردمی و فساد گسترده و نارضایتی بخش عظیم مردم از حاکمیت اسلامی ایران، اسرائیل را آنچنان گستاخ کرده که «تاج کیانی کند آرزو»!

اما از طرف دیگر ایران در زمینه تسلیحاتی مسلح به انواع موشک‌های دور برد و تعداد زیادی پهپاد شده است که رقیبی جدی در منطقه به حساب می‌آید و لذا مانعی بر سر راه نفوذ و جنگ افروزی و تسلط کامل امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌های اسرائیلی در منطقه گردیده است. بعلاوه ایران علاوه بر قدرت موشکی و پهپادی، در بین مردم مخالف تجاوزات و جنگ افروزی‌های آمریکا و اسرائیل در خاور میانه، در لبنان، سوریه، عراق و سوریه و غیره پایگاه و نفوذ قابل توجهی دارد و در عراق و سوریه و افغانستان و در جنگ ۳۳ روزه لبنان و جنگ غزه، مستقیم و غیر مستقیم، باعث شکست آنان گردیده است. بدین خاطر برای تضعیف ایران و تجزیه آتی آن، سلاح هسته‌ای نداشته و موهومی ایران را پیراهن عثمان کرده و لشگری از ایرانیان خود فروخته و ضد ایرانی را اجیر کردند تا در رسانه‌های آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اسرائیلی و عربستانی، به بهانه سیاست‌های ضد ایرانی و ضد انسانی جمهوری اسلامی، منافع ملی را با سیاست‌های رژیم یک کاسه نموده و از آمریکا و اسرائیل دفاع نمایند. باید گفت ابله است آن کسی که تفاوتی بین ایران و رژیم جنایتکار حاکم بر آن قائل نیست و حاضر است در «مبارزه» علیه رژیم اسلامی به ایران حمله نظامی شود و مردم و میهن ما را به خاک و خون بکشاند. از سر صدفه همین ایرانیان مزدور و به راستی خائن است که امپریالیسم آمریکا و نوجه قداره بندش اسرائیل، مدام انواع گزینه‌ها را از کشوی میز به روی میز و از روی میز به زیر میز و در آخر از ترس قدرت موشکی و نفوذ ایران در منطقه دوباره داخل کشوی میز قرار میدهند. همه این تهدیدهای آمریکا و ناتو و اسرائیل علیه ایران بلوف و خالی بندی بیش نیست. هدف از این تهدیدها مرعوب کردن سران رژیم است که از مردمش بیشتر از جنگ افروزان بین المللی می‌ترسد و اصلاح طلبانی که دائم تسلیم در مقابل غرب را موعظه می‌کنند.

می‌دانیم که سرنوشت جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران را سیاست‌های داخلی آن تعیین می‌کند و نه سیاست‌های خارجی اش. بنابراین عاقبت کار رژیم اسلامی، به مانند رژیم شاه، توسط مردم داخل ایران رقم خواهد خورد و نه گزینه‌های نظامی روی میز و زوزه‌های سران آمریکا و اسرائیل و وطن فروشان رنگارنگ ایرانی داخل و خارج.*



ادبیات مارکسیسته به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

شیوه تولید

انسان برای زیستن به خوراک، لباس، مسکن، سوخت و غیره نیازمند است و برای تحصیل این لوازم ضروری باید آنها را تولید کند. «تولید»، آن عاملی است که انسان را از حیوان متمایز می‌سازد. زندگی حیوانات در گرو محیط پیرامون آنهاست؛ در گرو و سائلی است که طبیعت در اختیار آنها می‌گذارد. انسان، برعکس، به آنچه که طبیعت می‌دهد، قناعت نمی‌ورزد و خود به تولید مایحتاج خویش می‌پردازد. تولید لوازم زندگی مستلزم ابزار تولید است که باید آنها را ساخت و بکار بردن آنها را دانست.

انسان پیش از آنکه به ساختن ابزار تولید، حتی بدوی‌ترین آنها توفیق یابد، هنوز در زمره حیوانات بشمار می‌آید و مانند آنها مقهور طبیعت بود. اما همینکه به افزارهائی، ولو ساده، برای شکار حیوانات و چیدن میوه‌ها دست یافت، از دنیای حیوانی به دنیای جامعه انسانی گام گذارد. از اینروست که انسان را حیوان سازندهٔ ابزار گفته‌اند و آنچه که از انسان، انسان می‌سازد، همین ساختن ابزار تولید است. انسان به کمک ابزار تولید با طبیعت به مبارزه برمی‌خیزد، طبیعت را بنابر نیازمندی‌های خویش تغییر می‌دهد و اشیاء و محصولات پدید می‌آورد که در محیط پیرامون به صورت آماده وجود ندارند. ابزار تولید به خودی خود اجسامی هستند بی‌جان که چنانچه بکار نیفتند، فایده‌ای نمی‌رسانند و چه بسا تحت شرایط جوی به تدریج رو به انهدام می‌روند. برای بکار انداختن ابزار تولید، کار و نیروی زنده لازم است. از اینرو انسان، که ابزار تولید را بکار می‌اندازد، نیروی تولیدی اساسی و تعیین کننده است.

«نخستین نیروی مولد تمام بشریت، کارگر است، کارگر است، زحمتکش است». (لنین) مجموعهٔ وسائل تولید و قبل از همه ابزار تولید به‌اضافهٔ انسان‌ها که با کسب مهارت و تجربه این وسائل را بکار می‌اندازند و مایحتاج زندگی را تولید می‌کنند، نیروهای مولد نامیده می‌شوند. خصلت و محتوای نیروهای مولد از دورانی به دوران دیگر تغییر می‌پذیرد. اگر در دوران اشتراکی اولیه، ابزار تولید عبارت بودند از ابزارهای سنگی، چوب دستی، تیر و کمان و... وسائل تولید امروز شامل کارخانه‌های عظیم، معادن، وسائل حمل و نقل و غیره است. در تولید نعم مادی، نیروهای مولد فقط یک طرف موضوع را تشکیل می‌دهند که در واقع مبین رابطهٔ انسان با اشیاء و نیروهای طبیعت است. در جریان تولید، در مبارزه با طبیعت بخاطر تحصیل لوازم زندگی، فعالیت انسان انفرادی نیست، اجتماعی و اشتراکی

است. در جریان این فعالیت، میان انسان‌ها روابطی برقرار می‌شود و فقط از طریق این روابط اجتماعی است که تولید صورت می‌گیرد. روابطی را که در جریان تولید میان انسانها پدید می‌آید و دارای خصلت عینی است، روابط تولید می‌نامند.

از همان بدوی‌ترین مراحل تاریخ بشر این روابط میان انسان‌ها برقرار می‌گردد. روابط انسان‌ها در جریان تولید، همان کوشش مشترک آنها با افزارهای بسیار بدوی، به خاطر تهیه مایحتاج زندگی است و توزیع آنچه که در نتیجه کوشش مشترک بدست آمده است. پس از آنکه بر اثر رشد نیروهای مولد در جامعه تقسیم کار پدید آمد، مثلاً کشاورزی از گله‌داری جدا شد و این هر دو از پیشه‌وری فاصله گرفتند و در درون پیشه‌وری شعب گوناگونی بوجود آمد، وابستگی انسان‌ها و گروه‌های انسانی نسبت به یکدیگر فزونی گرفت و هر اندازه تقسیم کار جلوتر رفت، وابستگی روابط آنها شدید و شدیدتر شد. در مرحله معینی از تکامل جامعه، وسائل تولید از خود تولیدکننده جدا می‌شود و در اختیار معدودی از افراد جامعه قرار می‌گیرد، بدین ترتیب مالکیت خصوصی بر وسائل تولید بروز می‌کند. از این مرحله به بعد اقلیتی از افراد جامعه وسائل تولید را در دست دارند در حالی که اکثریت افراد جامعه یعنی تولیدکنندگان مستقیم، فاقد وسائل تولیدند. وسائل تولید از تولیدکنندگان واقعی جدا می‌شود و برای آنکه تولید بتواند ادامه عمل بیوشد، باید این جدائی را از میان برداشت و این دو را با یکدیگر متحد ساخت. در اینجاست که میان صاحبان وسائل تولید و تولیدکنندگان واقعی روابط خاصی برقرار می‌گردد، که همان روابط طبقاتی است.

جامعهٔ سرمایه‌داری را بگیریم؛ در این جامعه روابط تولید شبکه بفرنج و پیچیده‌ای است که میان انسان‌هایی که در کار تولید شرکت می‌جویند، برقرار می‌گردد. این روابط در تمام زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف بچشم می‌خورد، مانند روابط میان شعب مختلف تولید، میان شهر و ده، روابطی که هنگام خرید و فروش یا رقابت برقرار می‌شود و غیره. در میان انبوه روابط تولیدی، آن روابطی که پایه و اساس تکامل جامعه است، آن روابطی که تعیین‌کننده تمام روابط دیگر است، خصلت تولید و سیمای جامعه بدان وابسته است، همانا روابط انسان‌ها نسبت به وسائل تولید یا به عبارت دیگر شکل مالکیت بر وسائل تولید است.

«اگر نیروهای مولد به این سؤال جواب می‌دهد که انسان‌ها با چه افزاری به تولید نعم مادی ضروری خویش می‌پردازند، وضع روابط تولید به این سؤال دیگر جواب می‌دهد: وسائل تولید (زمین یا جنگل، آب، معدن، مواد خام، افزارهای تولید، عمارات تولید، وسائل مخابرات و ارتباطات و غیره) در مالکیت کیست، وسائل تولید در اختیار کیست، در اختیار تمام جامعه یا در اختیار افراد، گروه‌ها و طبقات جداگانه که از آنها برای استثمار سایر افراد، گروه‌ها و طبقات استفاده می‌کنند.» (استالین)

مالکیت بر وسائل تولید به دو شکل می‌تواند جلوه کند: مالکیت خصوصی، مالکیت اجتماعی، برحسب اینکه وسائل تولید در اختیار افراد یا گروه‌های کوچکی است (مالکیت خصوصی) و یا در اختیار تمام جامعه (مالکیت اجتماعی). به عبارت دیگر بر حسب شکل مالکیت دو نوع روابط تولید در جامعه صورت می‌یابد. در حالت اول روابط تولید، روابط تابع و متبوع، فرمانده و فرمانبر است که از آن استثمار انسان از انسان حاصل می‌آید، در حالت دوم روابط تولید، روابط همکاری و کمک متقابل است و در آن اثری از استثمار نیست.

مالکیت خصوصی بر وسائل تولید موجب می‌گردد که انسان‌هایی از داشتن این وسائل محروم بمانند و برای امرار معاش به تابعیت آن افراد یا طبقاتی در آیند که وسائل تولید در اختیار آنهاست. چنانکه سرمایه‌داری، سرمایه‌دار وسائل تولید را در دست خود متمرکز می‌سازد و کارگر، که فاقد هرگونه وسائل تولید است، ناگزیر باید نیروی کار خود را به سرمایه‌دار بفروشد و از جانب سرمایه‌دار استثمار شود.

ظاهراً چنین می‌نماید که رابطه انسان‌ها نسبت به وسائل تولید یا به سخن دیگر مالکیت بر وسائل تولید، رابطه انسان‌ها با اشیاء است. ولی در واقع چنین نیست. رابطه نسبت به وسائل تولید رابطه اجتماعی میان انسان‌هاست. زیرا آن طبقه‌ای که مالک وسائل تولید است (سرمایه‌دار، مالک زمین) بر انسان‌هایی که فاقد این وسائل‌اند، حکومت می‌کند، آنها را امیدارد که از نظام اجتماعی معینی تبعیت نمایند، به استثمار تن دردهند.

نیروهای مولد و روابط تولید مجموعه واحدی را می‌سازند، این مجموعه را شیوهٔ تولید می‌نامند، شیوهٔ تولید «مظهر وحدت» نیروهای مولد و روابط تولید است.

شیوهٔ تولید در ساختن جامعه و در تکامل آن نقش تعیین‌کننده دارد، شیوه تولید حاکم در جامعه هرگونه که باشد سیمای جامعه نیز در انطباق با آنست. شیوه تولید است که وجود یا فقدان طبقات اجتماعی متخاصم، خصلت مناسبات متقابل طبقات، خصلت ایدئولوژی مسلط و تاسیسات سیاسی و حقوقی مسلط را تعیین می‌کند. چنانکه شیوه تولید سرمایه‌داری مستلزم نظام سرمایه‌داری است، جامعه سرمایه‌داری را به دو طبقهٔ متخاصم کارگر و سرمایه‌دار تقسیم می‌کند، تمام روابط تولیدی جامعه سرمایه‌داری و همچنین افکار و نظریات سیاسی، حقوقی و هنری و غیره و تاسیسات سیاسی و حقوقی آن از شیوهٔ تولید سرمایه‌داری ناشی می‌شوند.

با تغییر شیوه تولید طبیعتاً روابط تولید، افکار و نظریات و تاسیسات سیاسی و حقوقی جامعه نیز دگرگون می‌گردد، به عبارت دیگر بر اساس شیوهٔ تولید است که باید افکار و تاسیسات جامعه معین را توضیح داد و نه بالعکس، براساس شیوه تولید است که می‌توان توضیح داد چرا به جای جامعه فئودالی جامعه سرمایه‌داری می‌نشیند و نه جامعه دیگر و چرا جامعهٔ سرمایه‌داری ناگزیر به جامعه سوسیالیستی بدل می‌گردد.*



گشت و گذاری در فیسبوک ، پاسخ به یک پرسش

پرسش: دوست محترم، شما که به حزب کمونیست عراق و حزب توده ایران را متهم به همدستی با اشغالگران آمریکایی می‌کنید آیا سندی در اثبات ادعای خود دارید؟ ممنون می‌شوم اگر به سئوالم جواب دهید.

پاسخ: دوست گرامی، حزب ما بارها در مورد خیانت به ملت و همدستی حزب کمونیست عراق با جرج واکر بوش در سرنگونی رژیم صدام حسین تحت شعار «نه به جنگ و نه به صدام» نوشتیم و این اوج خیانت و پستی این حزب خیانت ملی بود.

تنها جریانی که «در بلوک احزاب برادر «رویزیونیستهای بلوک شوروی سابق جرئت حمایت از سیاست خائنانه حزب رویزیونیست عراق را دارد و هنوز هم میکند حزب رویزیونیست توده ایران است که امروز همان شعار امپریالیست پستد «نه به جنگ و نه به دیکتاتوری» را در مورد ایران صلا میدهد. این شعار، ممانعت از جنگ تجاوزکارانه نیست بلکه تمرکز بر سرنگونی رژیم دیکتاتوری در پارکابی امپریالیسم است. رهبری رویزیونیست حزب توده عراق در صحنه سیاسی در قبال تغییر حکومت صدام حسین در کنفرانس لندن در سال ۲۰۰۲ حضور داشت و در هم صدائی با آمریکا و انگلیس پایه و اساس یک سیاست بشدت جنگ طلبانه را در پیش گرفت. رادیو بی بی سی در نوامبر ۲۰۰۲ به نقل از مصاحبه ای که مجید موسی با روزنامه الشرق الاوسط در تاریخ ۲۸ نوامبر ۲۰۰۲ انجام داده بود، نوشت:

«یک مقام برجسته حزب کمونیست عراق، در واکنش به سفر

و دیدار یک گروه از اپوزیسیون عراقی به بغداد و گفتگوها با رهبری عراق [دولت صدام] اظهار داشت که این گروه، اعضای متنفذی در میان اپوزیسیون عراقی نیستند. مجید موسی، مقام رسمی حزب کمونیست [عراق]، میگوید آنچه که مورد نیاز ماست تغییر رژیم در عراق میباشد، نه ملاحظاتی چون اصلاحات از درون [رژیم]. موسی نظر اپوزیسیون را جنگ علیه عراق و احتمال انتصاب یک فرماندار نظامی در عراق توصیف کرد». در این زمینه مجله Foreign Policy in Focus ، نیز در شماره ژانویه ۲۰۰۳ خود نوشت: «حتی مجید موسی، دبیرکل حزب کمونیست عراق، کسی که مخالف جنگ است، می‌گوید که برای خلاص شدن از شر صدام، هیچ راهی بجز [بدون وجود] آمریکائی ها وجود ندارد».

مجید موسی، دبیرکل حزب رویزیونیست عراق، پس از اشغال نظامی عراق توسط امپریالیستها، علیرغم شعارهای لفظی در مخالفت با اشغال نظامی آمریکا و انگلیس، در عمل با شرکت و حضور خود در نهاد «شورای حکومتی» تاسیس شده توسط اشغالگران آمریکایی-انگلیسی به سیاست‌های متجاوزین پاسخ مثبت داد. احراز پست وزارت فرهنگ از سوی این حزب در همین دوران، بخش دیگری از پاسخ مثبت به تجاوزگران امپریالیست بود. رهبری این حزب در گفتارهای خود نه تنها هیچگاه خواهان خروج فوری نیروهای اشغالگر از عراق نشده است، بلکه در میان هواداران خود میگویند که خروج نیروهای آمریکایی سبب جنگ داخلی خواهد شد.

بطور خلاصه :

« حزب رویزیونیست عراق اشغال و سرنگونی رژیم صدام توسط آمریکا را پذیرف
 « با نبرد مسلحانه علیه قوای متجاوز به مخالفت پرداخت و هرگز شعار خروج فوری و بی قید شرط متجاوزین آمریکایی را بر زبان نیاورد
 « حزب رویزیونیست عراق هیچ مخالفتی با دادگاه های غیرقانونی آمریکایی و اعدام صدام حسین ابراز نمود
 حزب رویزیونیست عراق به همدست امپریالیسم آمریکا بدل گشت و تنها حزبی که به توجه تمام سیاست‌های خائنانه آن پرداخت، حزب رویزیونیست توده بوده است و هنوز هم بیشترمانه به این سیاست ادامه می‌دهد. امید داریم با این مختصر جواب پرسش شما را داده باشیم. پیروز باشید*»



پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: نویسندگان محترم توفان، آیا فکر نمی‌کنید که با ایدئولوژی کردن طبقه کارگر به انحراف رفته‌اید؟ مارکس و انگلس و لنین هیچگاه ایدئولوژی را به طبقه کارگر نسبت ندادند و این فقط استالین بود که طراح ایدئولوژی بود دولت ایدئولوژیک را بنا کرد و سرانجام دیدیم چه شد!

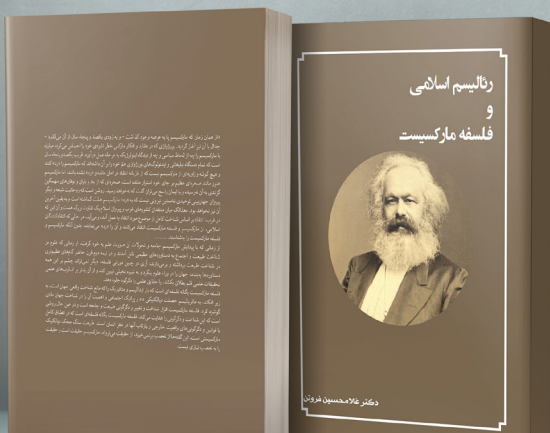
پاسخ: دوست عزیز! هیچ دولتی در هیچ کجای دنیا پیدا نمی‌شود که ایدئولوژی نداشته باشد. معلوم می‌شود کسانی که شعار «جدائی دولت از ایدئولوژی» را سرمی‌دهند، دیدی یا دید روشنی از ایدئولوژی ندارند. آخر مگر می‌شود دولت (هر دولتی) از افکار و عقاید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تهی باشد، برای کار خود برنامه تنظیم نکند؟ مگر می‌شود دولت گرفتار افکار پراکنده، بدون سمت‌گیری، بدون هدف باشد؟ مگر جز اینست که کار دولت یا در راستای منافع و مطامع اقلیت سرمایه‌دار است (دولت بورژوائی) و یا در جهت برآوردن مقاصد و اهداف طبقه کارگر و دیگر توده‌های زحمتکش (دولت سوسیالیستی)؟ در همه حال دولت برنامه دارد، که بر اساس عقاید و افکار او تنظیم می‌شود، برنامه هدف معینی را در پیش خود می‌گذارد، که باید به آن دست یابد. اینها همه جلوه‌های ایدئولوژی است. ایدئولوژی را که برداری، دولت نهادی می‌شود که هیچ کاری از آن ساخته نیست. دولت بدون ایدئولوژی همانقدر در زمره موهومات است که جن و پری. ایدئولوژی مجموعه بینش‌ها، اندیشه‌ها و نظریات سیاسی، اقتصادی، حقوقی، هنری، فلسفی، مذهبی و دیگر عناصر ایده‌ای است، که اولاً بازتاب روابط اجتماعی‌اند؛ ثانیاً مبین وضع و منافع و مقاصد و اهداف طبقات‌اند؛ ثالثاً سمت‌گیری

معینی دارند و در راستای حفظ یک نظام اجتماعی معین و با تغییر و تحول آن حرکت می‌کنند و بالاخره برانگیزنده اعمال و رفتار و بطور کلی پراتیک طبقات‌اند.

این تعریف کلی ماهیت و محتوای ایدئولوژی را بیان میدارد که در مورد ایدئولوژی بورژوائی و ایدئولوژی پرولتاریائی به وضوح مشهود است. حال چگونه است که افرادی بعنوان «مارکسیست شناس» مارکس و انگلس و لنین را غیر ایدئولوژیک و استالین را ایدئولوژیک و دولت دوره او را دارای ایدئولوژی و انحراف از مارکسیسم تحلیل می‌کنند؟ یعنی اگر مارکس و لنین بجای استالین بودند ایدئولوژی را از حاکمیت حذف می‌کردند؟! اگر طبقه حاکم سرمایه‌داری که دارای ایدئولوژی است، پس طبقه غیر حاکم هم دارای ایدئولوژی است! و جزاین نیست.

دوست گرامی! نگاه شما به مسئله ایدئولوژی و دولت غیر ایدئولوژیک اشتباه است و کسانی که به تبلیغ این نظریه می‌پردازند، درک درستی از مارکسیسم ندارند؛ اغلب آلوده به گرایشات آنارکو سندیکالیستی هستند و در جبهه حزب ستیزان جولان می‌دهند و این روزها بازارشان داغ است. موفق باشید!

چاره رفجران وحدت و تشکیلات است



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتنی با ما تماس حاصل فرمائید



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آناه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<u>POSTBANK</u>						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
<u>P.O. BOX 1138</u>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						